



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

درسهایی پیرامون



شناخت قرآن



نویسنده: آ

محمدود رحیمی، محمود عرفانی و علی اکبر میرسیاه

۶۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسهایی پیرامون شناخت قرآن

نویسنده:

محمود رجبی

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	درسهایی پیرامون شناخت قرآن
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	درس اول : اطلاعات ابتدایی درباره ی قرآن ۱
۱۰	۱- قرآن یعنی چه؟
۱۲	۲- آیه و آیات :
۱۴	۳- سوره :
۱۵	۴- مکی ومدتی :
۱۶	۵- شأن نزول :
۱۷	۶- جمع آوری قرآن
۲۰	۷- محکم و متشابه
۲۲	۸- اقسام متشابه در قرآن :
۲۴	«خلاصه ی درس»
۲۶	خود را بیازماییم:
۲۸	درس دوم : اطلاعات ابتدایی درباره قرآن ۲
۲۸	اشاره
۳۱	فلسفه ی آیات متشابه
۳۴	تاویل چیست؟
۳۸	بطن قرآن :
۴۲	«خلاصه درس دوم»
۴۵	خود را بیازماییم :
۴۶	درس سوم : برخی از ویژگی های قرآن
۴۶	اشاره

۴۶	۱- آمیختگی مطالب
۴۸	۲- جامعیت قرآن
۵۱	۳- مصونیت قرآن
۵۲	۳- اعجاز قرآن
۵۵	خلاصه درس سوم
۵۷	خود را بیازماییم :
۶۰	درس چهارم : ابعاد اعجاز قرآن ۱
۶۰	فصاحت و بلاغت یا بعد هنری قرآن
۶۱	چند نمونه ی تاریخی
۶۵	قرآن چگونه مردم را به «قرینه سازی» برمی انگیزد؟
۶۸	مقایسه :
۷۲	«خلاصه ی درس»
۷۳	خود را بیازماییم :
۷۶	درس پنجم : ابعاد اعجاز قرآن ۲
۷۶	۲- هماهنگی در شیوه ی بیان و در مضمون و محتوی
۷۶	اشاره
۷۷	الف - تکامل تدریجی انسان
۷۸	ب - خطا پذیری و تاثیر پذیری انسان
۷۹	ج - محدودیت
۸۵	۳- اعجاز قرآن از نظر آورنده ی آن
۸۹	«خلاصه درس پنجم»
۹۰	خود را بیازماییم :
۹۲	درس ششم : چگونه از قرآن بهره مند شویم؟
۹۲	اشاره
۹۶	قرآن چیست؟
۹۷	«چگونه از قرآن استفاده کنیم؟»

- ۱۰۴ ----- «ما چگونه هستیم»
- ۱۰۸ ----- «خلاصه درس»
- ۱۱۰ ----- مقداری بیان‌دیشیم :
- ۱۱۲ ----- درس هفتم : فرازهایی از قرآن
- ۱۱۲ ----- اشاره
- ۱۱۳ ----- ۱- توحید و شرک
- ۱۱۴ ----- ۲- ولایت غیر خدا
- ۱۱۴ ----- ۳- حب خدا و غیر خدا
- ۱۱۵ ----- ۴- درباره ی مسلمین و جامعه ی اسلامی
- ۱۱۶ ----- ۵- ماهیت زندگی دنیا
- ۱۱۷ ----- ۶- وحدت و اخوت اسلامی
- ۱۱۹ ----- ۷- جهاد آزادی بخش در راه خدا
- ۱۲۰ ----- ۸- حق و باطل در قرآن
- ۱۲۳ ----- خود را بیازماییم
- ۱۲۴ ----- فهرست مطالب کتاب
- ۱۲۸ ----- درباره مرکز

درسهایی پیرامون شناخت قرآن

مشخصات کتاب

سرشناسه : رجبی ، محمود، 1330 -

عنوان و نام پدیدآور : درسهایی پیرامون شناخت قرآن/ نوشته ی محمود رجبی، محمود عراقی، علی اکبر میرسیاه.

مشخصات نشر : قم: موسسه در راه حق، 1361.

فروست : موسسه در راه حق؛ 63... سری معارف قرآن(ن)؛ شماره 4.

شابک : 70 ریال

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : قرآن-- بررسی و شناخت

شناسه افزوده : عراقی ، محمود

شناسه افزوده : میرسیاه، علی اکبر

شناسه افزوده : موسسه در راه حق

رده بندی کنگره : 1361 4د3/BP65/3

رده بندی دیویی : 297/15

شماره کتابشناسی ملی : 2410710

خیراندیش دیجیتال : انجمن مددکاری امام زمان عجل الله تعالی

ویراستار کتاب : خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

اسم کتاب : درسهایی پیرامون شناخت قرآن

نام نویسندگان : محمود رجبی محمود عراقی و علی اکبر میرسیاه

لغت: فارسی

از سری : معارف قرآن (ن) شماره 4

شماره مسلسل : 63

چاپ : افست

قطع : رقعی

تعداد صفحه : 120

چاپ : اول تعداد 30,000 جلد.

چاپخانه : سلمان فارسی قم

تاریخ نشر : بهمن ماه 1361 هـ. ش

ناشر : انتشارات موسسه ی در راه حق قم

نشانی : قم - خیابان ارم - کوچه آقازاده - تلفن 23759 - ص . پ 5 و 13

حق تجدید چاپ و اقتباس برای ناشر محفوظ است.

ص: 2

درس اول : اطلاعات ابتدایی درباره ی قرآن 1

1- قرآن یعنی چه؟

(إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ). (3 زخرف) ما آن را خواندنی عربی قرار دادیم تا مگر آن را تعقل کنید.

«قرآن» یکی از عنوانهایی است که در خود قرآن بر این مسلمانان کتاب آسمانی اطلاق شده است و به تدریج در بین علم و اسم خاص آن گردیده است. کلمه ی قرآن مصدر است و در لغت بمعنی جمع کردن، ضمیمه نمودن و خواندن آمده است و غالباً بمعنی اخیر استعمال می شود. چنانکه در برخی از آیات بهمین معنی بکار رفته است: (فَإِذَا قَرَأْتَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ) (18 قیامت) پس آنکه که خواندیمش (وحی) خواندش را پیروی کن.

این کتاب بزرگ را بدانجهت که از یک سلسله الفاظ

خواندنی تشکیل یافته است قرآن (خواندنی) نامیده اند. و شاید نکته ی این نامگذاری از سوی خداوند این باشد که مردم پیوسته باید متوجه آن بود و همواره آن را بخوانند و از آن الهام بگیرند و نیز اشاره ای باشد باینکه قرآن دارای، حقیقتی بس متعالی است که تا حد یک سلسله الفاظ خواندنی تنزل یافته است و در قالب الفاظ بر پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم نازل گردیده است (1) تا بشر بتواند از آن استفاده کند و به آن دست یابد (2) برخی نیز گفته اند که: قرآن از ماده ی «گرم» بمعنی جمع کردن است و چون این کتاب آسمانی در بردارنده ی تمام حقایقی است که برای سعادت بشر لازم است قرآن بمعنی کتاب جامع نامیده شده است. (3)

ص: 4

1- البته پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم، علاوه بر دریافت قرآن در قالب الفاظ، از آنجا که در زمره ی مطهرین قرار دارد با حقیقت قرآن نیز تماس داشته و از آن نیز آگاه است. این موضوع را میتوان از آیه 79 واقعه ((لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ)) حقیقت قرآن را جز پاکان مس نخواهند کرد) و آیه 33/ احزاب ((إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً)) خداوند تنها اراده نموده است که از شما اهل بیت پلیدی را بزداید و شما را بگونه ای پاک سازد، استفاده نمود.

2- (إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ) 3 و 4/ زخرف و همانا قرآن را خواندنی آشکار قرار دادیم تا شما تعقل کنید و به تحقیق که آن در ام الكتاب (لوح محفوظ که همه چیز در آن ثبت است) نزد ما بسی بلند پایه و محکم اساس است.

3- به کتاب مفردات راغب مراجعه شود.

2- آیه و آیات :

اجزاء قرآن شریف برحسب نامگذاری خود قرآن باسم «آیه» و «سوره» نامیده شده است.

کلمه ی آیه که جمع آن آیات است در لغت بمعنی نشانه است و در موارد زیر استعمال می شود:

1- نشانه ی روشن و گویا .

2- مایه پند و اندرز و عبرت.

3- ساختمان بلند و مرتفع .

در قرآن مجید نیز این کلمه در همین سه معنی بکار رفته است. در بسیاری از آیات مانند آیه 49 از سوره ی آل عمران (1) و 109 سوره ی انعام (2) معجزات پیامبران علیهم السلام آیه و آیات نامیده شده است که منظور از کلمه ی آیه در این موارد نشانه و دلیل گویا و روشن است .

ص: 5

1- وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ إِنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ. و فرستاده ای (عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام) بسوی بنی اسرائیل که به آنان بگوید: من از طرف خدا برایتان معجزه ای آورده ام: من از گل مجسمه پرنده ای ساخته و بر آن نفس قدسی میدم و به امر خدا پرنده می شود.

2- وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ أَنَّهُ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ. و به خدا به سخت ترین سوگند قسم یاد کردند که اگر معجزه ای برایشان آید حتماً ایمان می آورند. (ای پیامبرص) بگو معجزات نزد خدا و از سوی او است. و چه دانید وقتی که معجزات آید کافران ایمان نمی آورند .

در آیه 92 از سوره ی یونس درباره فرعون می خوانیم :

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً . (1) که مقصود از آیه در این مورد و نظائرش مایهٔ پند و اندرز است. و در آیه 128 سوره ی شعراء از ساختمان بلند و مرتفع با کلمه ی آیه تعبیر شده است: آتَّبِعُونَ بِكُلِّ رِبْعٍ آيَةً تَعْبَتُونَ . (2)

در قرآن کلمه ی آیه بمعنی نشانه در مورد هر پدیده ی خارق العاده و همچنین درباره ی تمام پدیده های جهان به لحاظ آنکه نشانه ی وجود خدا و اوصاف اوست بکار رفته است. از جمله موارد استعمال آیه و آیات قطعه ها و جملات قرآن است در اینگونه موارد آیه به معنی قطعه یا جمله ای از قرآن است که به لحاظ حکایت و دلالتش بر خداوند و اوصافش و بر درست بودن گفتار پیامبر، صلی الله علیه وآله وسلم و از سوی خدا بودن قرآن ایه نامیده شده است.

در شماره گذاری آیات، قرآن نظریات گوناگونی ارائه شده است. از جمله اینکه تمام سوره های قرآن «6205» آیه در بردارد . (3) (4)

ص: 6

1- پس امروز جسمت را از (آب) نجات میدهم تا برای آیندگان عبرتی باشی.

2- آیا در هر قسمت مرتفع زمین بیهوده ساختمان بلندی بر پا می کنید.

3- وحی و نبوت استاد شهید مرتضی مطهری رحمة الله علیه صفحه 99. طبق محاسبه ای که بر اساس شماره گذاری قرآن های چاپ دانشگاه الازهر مصر انجام شد قرآن دارای 6231 آیه بدون بسم الله های اوایل سوره ها - بجز سوره ی حمد و دارای 6343 آیه با بسم الله های اوائل سور می می باشد.

4- وحی و نبوت استاد شهید مرتضی مطهری رحمة الله علیه صفحه 99. طبق محاسبه ای که بر اساس شماره گذاری قرآن های چاپ دانشگاه الازهر مصر انجام شد قرآن دارای 6231 آیه بدون بسم الله های اوایل سوره ها - بجز سوره ی حمد و دارای 6343 آیه با بسم الله های اوائل سور می می باشد.

کلمه ی سوره در لغت باین معنی آمده است :

1- فضل و شرف، منزلت، شیئی برجسته. (در صورتیکه از ریشه ی «سور» باشد.)

2- باقیمانده یک چیز (در صورتیکه از ریشه ی «سیر» گرفته شده باشد.)

3- قطعه و قسمت جدا از دیگر قسمتها (در صورتیکه از ریشه ی سَأَرَ باشد.)

در قرآن کلمه ی سوره بصورت مفرد و جمع (سوره و سور) (1) بکار رفته است و مقصود از آن یک قسمت برجسته و مستقل از آیات قرآن است که بدون وابستگی به آیات قبل و بعد به بیان موضوع خاصی پرداخته است، هر چند ممکن است بی ارتباط با آیات قبل و بعد هم نباشد بطوری که، اگر آن قطعه از بین آیات انتخاب و جدا گردد آغاز و انجام و هدف مشخص و مفاد کامل بی نیاز از ضمیمه ای داشته باشد.

114 سوره ی قرآن را به آن جهت که با جمله ی بسم الله الرحمن الرحیم - بجز سوره ی توبه - از آیات قبل و بعد جدا

ص: 7

1- 23 بقره و 13 هود.

می‌گردند و قطعه‌ی معلوم و مشخصی را تشکیل می‌دهند، سوره می‌نامند. البته کلمه‌ی سوره آن طور که گذشت در لغت به معنایی وسیع‌تر از مفهوم متداول بین مسلمانان دارد و شامل بخش‌هایی کوچک‌تر از سوره به معنی کنونی آن نیز می‌شود و در قرآن مجید کلمه‌ی سوره، در همان معنای لغویش بکار رفته است و میتوان آن را تقریباً مرادف با قطعه، فقره و پاراگراف دانست.

4- مکی و مدنی :

یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که در مورد آیات قرآن انجام گرفته است تقسیم آیات به مکی و مدنی است. در این تقسیم‌بندی برخی مکان نزول را معیار قرار داده و آیاتی را که در مکه نازل شده است مکی و آنهایی را که در مدینه و اطراف آن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و حی گردیده است مدنی نامیده‌اند. گروهی دیگر گفته‌اند: آیاتی که مورد خطاب آنها به مردم مکه است مکی و آیاتی که مخاطب آنها مردم مدینه می‌باشند مدنی است ولی نظریه‌ی مشهور که صحیح‌تر می‌نماید این است که: ملاک نامگذاری زمان نزول آیات است و بر این اساس آیاتی که قبل از هجرت به سوی مدینه نازل شده‌اند مکی و آیاتی که پس از هجرت فرود آمده‌اند مدنی می‌باشند هر چند در مکه نازل شده باشد و یاروی سخن در آنها با مردم مکه باشد.

شناخت این دو دسته آیات و تفکیک آنها از یکدیگر در فهم شأن نزول آیات موثر است و در نتیجه در پی بردن

بخصوصیات و ویژگی های آیات که در تفسیر نقش بسزایی دارد مفید واقع میشود.

5- شان نزول :

آیات قرآن آنطور که خود نیز میگوید (1) بصورت متفرق و پراکنده در طی 23 سال در مکه و مدینه نازل شده است. نزول و فرود آمدن آیات بر دو گونه است :

بخشی از آیات ابتداء و بدون وقوع حادثه یا طرح سئوالی بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل گردیده و برخی دیگر به دنبال رخ دادن یک حادثه و یا مطرح شدن سئوال و پرسشی فرود آمده است. (2)

ص: 9

-
- 1- وَقَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتٍ 106 اسرا (و قرآنی که پراکنده بر تو نازل کردیم تا با درنگ بر مردم بخوانی....).
 - 2- مانند آنکه از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از نسب خداوند سئوال میشود و دنبال این سئوال سوره ی توحید نازل می شود یا آنکه جنگی بنام جنگ بدر رخ می دهد و پس از آن آیه ای می آید و از یاری خدا در آن جنگ سخن می گوید: (وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ ... / 123 / آل عمران، (و خداوند شما را در جنگ بدریاری نمود ...) و نیز مانند آیات متعددی که صریحاً سئوال مطرح شده را ذکر می کند. و سپس به پاسخ آن می پردازد مانند: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا 219 / بقره، (ای پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از تو در باره ی شراب و قمار میپرسند بگو در این دو گناه و آلودگی و زیان بسیار و بس بزرگ، و فوایدی برای مردم وجود دارد و گناه و آلودگی آن دو، بیش از فواید آنها است). ولی سوره ی حمد بدون هیچ سئوال یا واقعه ای ابتداءً نازل گردیده است.

حادثه، پرسش و شرائطی را که یک آیه در آن جو نازل میشد شأن نزول آیات میگویند پی بردن به شأن نزول آیات در بسیاری از موارد به درک دقیق حقایق و معارف قرآن کریم کمک شایانی میکند و این موضوع اختصاص به قرآن ندارد و در فهم روایات پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام نیز نقش بسزایی دارد. بهمین جهت است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

لا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَفِيهَا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِضَ كَلَامِنَا. (1)

نکته ای که باید در مطالعه قرآن و تفسیر آن بدان توجه داشت این است که شأن نزول قرآن هیچ گاه موجب نمی گردد که آیات را در انحصار آن مورد قرار داده و به آن جنبه ی فردی و شخصی دهیم بلکه جز در موارد محدودی با توجه به قیود و شرائط آیه هر مصداق و مورد دیگری را نیز در بر می گیرد و نیز باید توجه داشت که شأن نزول در صورتی می تواند در تفسیر آیه مورد قبول واقع شود که به صحت آن اطمینان داشته باشیم.

6- جمع آوری قرآن

چنانکه گذشت آیات قرآن کریم بتدریج در طول 23 سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نازل گردیده است.

این آیات بوسیله «کتاب» وحی (نویسندگان وحی)

ص: 10

1- فردی از شما فقیه نخواهد بود تا آنکه جایگاه عرضه شدن روایات ما را بشناسد. بحار الانوار ج 2 ص 184.

برروی قطعات پراکنده (پوست حیوانات، استخوان شتر، جریده نخل و...) ثبت می‌گشت. در نتیجه در طول مدت نزول وحی این قطعات پراکنده از ترتیب و نظم خاصی برخوردار نبود و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله بدست اصحاب آن حضرت جمع‌آوری گردید.

در اینکه جمع‌آوری آیات و سوره‌قرآن به ترتیب کنونی آیا در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و بدستور آن حضرت بوده است یا نه، بین دانشمندان و مفسرین شیعه و سنی، اختلاف نظر وجود دارد عده‌ای قائل شده‌اند که این ترتیب خاص بدستور پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله بوده است و عده‌ای معتقدند که در این ترتیب اصحاب آن حضرت دخالت داشته‌اند از آن و پس حضرت انجام گرفته است. (1) آنچه بصورت فشرده میتوان در اینجا مطرح کرد این است که:

1- قرآنیکه هم اکنون در دست مسلمانان است بدون هیچگونه تردید همان کتابی است که بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده است و بطور مسلم چنین نیست که آن کتاب زمانی از بین رفته و کتاب دیگری بوسیله‌ی مسلمانان یا غیر مسلمانان نگاشته شده باشد.

2- چنانکه در بحث «مصونیت قرآن» خواهد آمد قرآن مجید هرگز دستخوش تحریف نگشته و نخواهد گشت و بدون

ص: 11

1- علامه طباطبایی مفسر عالیقدر شیعه دام‌ظله بحث نسبتاً گسترده‌ای در این زمینه درج 12 تفسیر شریف المیزان دارند که می‌توان به آن مراجعه نمود.

شک آنچه در آن است سخن خداوند جهان می باشد و آنچه بمنظور هدایت بشر بر پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم نازل گردیده است بدون هیچگونه دگرگونی در قرآن کنونی وجود دارد.

3- ترتیب سور قرآنی به ترتیب کنونی با اشراف و نظارت اصحاب پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله انجام گرفته است.

4- در ترتیب آیات قرآن بصورتی که الآن در قرآنهاست بدون هیچگونه شک و تردید اکثر سوره های قرآن پیش از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در بین مسلمانان دائر و معروف بوده است و درصدها حدیث از طریق شیعه و سنی نام آنها آمده است.

5- از روایات جمع آوری قرآن بدست می آید که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله یکبار قطعات پراکنده ی قرآن در زمان ابوبکر بصورت یک کتاب جمع آوری گردید و بار دیگر پس از آنکه نسخه های متعددی با قرائت های مختلف پدید آمد عثمان آن را با یک قرائت تدوین نمود و مابقی را نابود ساخت.

6- همگام با نزول تدریجی قرآن مسلمانان با رغبت و اقبال شدید و اشتیاق فراوان آیات جذاب و دلنشین آن را سریعاً فرا می گرفتند و به قرائت و تبلیغ آن می پرداختند. مسلمانان عرب که دارای حافظه قوی بودند آیات را دقیقاً حفظ می کردند و نویسندگان وحی آن را می نوشتند بطوری که صدها قاری و حافظ

مسلمانان قرآن را معجزه جاویدان پیامبر صلی الله علیه وآله، و روش عبادت و مناجات با خدا همدم تنهایی، روحبخش جانها، درس کمال تمرین خودسازی، نردبان ترقی، بهترین راهنما و پند دهنده و شعار اسلام و بیانگر راه ایمان و فضیلت می دانستند و بهمین جهت یادگیری نوشتن و حفظ کردن دقیق آیات قرآن را یکی از اساسی ترین وظائف دینی و الهی خود می دانستند و این امر موجب می گشت، که کوچکترین آیه ای از قرآن حذف نشود و کمترین جمله ای بر آن افزوده نگردد.

7- محکم و متشابه

مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ .

قرآن مجید آیات خود را به دو دسته ی «محکم و متشابه» (2) تقسیم نموده و برای هر یک وصفی برگزیده است. در آیه ی محکم آنچه مورد نظر بوده است آشکارا به روشنی بیان

ص: 13

-
- 1- در تفسیر شریف «آلاء الرحمن» از وجود و نظارت هزاران حافظ قرآن بهنگام جمع آوری قرآن سخن بمیان آمده است.
 - 2- کلمه ی محکم از ریشه «حکم» بمعنی منع کردن و جلوگیری نمودن است و در آن همین مفهوم نهفته است و در واقع آیه ی محکم آیه ای است که مقصود گوینده در آن بگونه ای بیان گردیده است که از برداشتهای نادرست و توجیه های غلط که مورد نظر گوینده نبوده است جلوگیری می کند.

گردیده است بطوری که با دقت، معنای حقیقی آن و مقصود خداوند دانسته میشود و با معانی و احتمالات دیگر اشتباه نمیگردد آیات محکم مرجع و مادر سائر آیات هستند.

آیات متشابه بگونه ای است که میتوان معانی مختلف و متعددی را به آن نسبت داد و بهمین، جهت مقصود و مفهوم اصلی آیه مورد تردید قرار میگیرد و در واقع هر یک از معانی گوناگون آیه متشابه در اینکه نمی توانند بطور قطع مقصود خدا را بما نشان دهند شبیه یکدیگرند و در نتیجه آیه از نظر مفهوم چند پهلو میشود، در میان معانی مختلف و گاه متضادی که از یک آیه میتوان دریافت همه آنها حق نبوده و با آنچه مورد نظر خداوند است مطابقت ندارد و این امر خود زمینه اختلاف در فهم معنای حقیقی آن آیه میشود و سبب میگردد که منحرفین بتوانند آن آیه را برای فتنه انگیزی و موجب بانحراف کشیدن دیگران دستاویز قرار دهند آیات متشابه را باید پس از بدست آوردن آیه ی محکمی که نقاط ابهام آن را بر طرف سازد و معنای واقعی اش را روشن گرداند مورد استفاده قرار داد. پرداختن به آیات متشابه بدون رجوع به آیات محکم کار بیمار دلان و کج اندیشان است که می خواهند با دستاویز قرار دادن آن قرآن را تاویل کنند و مصداقهای دروغین را که موافق با اغراض نادرست آنان است به قرآن نسبت دهند و از این راه ناآگاهان جامعه را منحرف سازند و فتنه انگیزی کنند. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَلَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ

اِبْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ. (7/آل عمران). (تنها) اوست (خدایی) که قرآن را بر تو نازل ساخت برخی از آن آیات محکم است. اینها، ام الكتاب (مرجع آیات دیگر) اند و آیات دیگر مشابهات اند. پس آن گروه که در دل‌هایشان میل به باطل است و کج اندیش هستند آیات مشابه را کنند تا با دستاویز قرار دادن آن به فتنه انگیزی و پی جویی منحرف ساختن دیگران پردازند و مصداق‌های دروغین برایش تراشند در صورتیکه مصداق‌های واقعی آن را تنها خدا میداند... اکنون با توجه به اینکه آیات مشابه میتواند دستاویزی برای کج اندیشان باشد و مایه به انحراف کشیدن جامعه و فتنه انگیزی گردد، 3 سؤال زیر مطرح می‌گردد:

الف - فلسفه آیات مشابه چه میتواند باشد؟ آیا امکان نداشت که تمام آیات محکم بوده تا از سواستفاده کج اندیشان و بیمار دلان جلوگیری شود؟

ب - منشأ تشابه برخی آیات چیست؟ بعبارت دیگر چه چیز باعث تشابه شدن این آیات گردیده، است؟

ج - چند قسم تشابه در قرآن وجود دارد؟

برای آنکه پاسخ این سه سؤال بخوبی روشن گردد از آخرین سؤال شروع می‌کنیم:

8- اقسام تشابه در قرآن :

در اینکه آیات مشابه قرآن چند قسم است بین مفسرین

ص: 15

اختلاف بسیار وجود دارد برخی حتی الفظی که معنایش کاملاً معروف نیست مانند کلمه ی «آب» (گیاه، علوفه) 31/ عیس را جزء متشابهات قرار داده اند عده ای گفته اند آیات صفات (آیاتی که اوصاف خدا، یا انبیاء الهی علیهم السلام را بیان میکند) متشابه میباشند برخی از بزرگان عام ها و مطلق ها را جزء محکومات دانسته اند و حروف مقطعه را نه محکم و نه متشابه میدانند (1) بهر حال آنچه در ذیل می آید مهمترین اقسام متشابه در قرآن را تشکیل میدهد:

1- حروف مقطعه مانند: کهیحص 1 / مریم .

2- عام ها (2) مانند: كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً 38 مدثر (هرکس در گرو کردار خویش است).

3- مطلق ها (3) مانند: اَوْ تَخْرِيْرُ رَقَبَةً ... 89 مائده . (یا آزاد ساختن برده ای)

4- منسوخ ها (4) مانند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا

ص: 16

1- تفسیر المیزان ج 3 و قرآن در اسلام ص 30.

2- عام به عبارت و کلمه ای گفته میشود که در برگیرنده ی تمام افراد باشد.

3- مطلق به سخنی میگویند که هیچ حالت بخصوصی در آن اعتبار نشده باشد.

4- نسخ در لغت بمعنی زائل کردن و از بین بردن است ولی در اصطلاح و زبان خاص دانشمندان عبارت است از برداشته شدن حکمی از احکام دینی که بظاهر همیشگی است و استمرار دارد. (تخصیص زمانی) آیه اول را که بینانگر حکم پیشین است منسوخ و آیه دوم را که فرا رسیدن پایان حکم اول و آغاز حکم جدید را خبر میدهد ناسخ گویند مانند آیه 12 مجادله که لزوم صدقه دادن پیش از رازگویی با پیامبر صلی الله علیه وآله را با تعبیری که ظاهرش استمرار است بیان نموده است و (پس از آنکه تنها علی علیه السلام به آن عمل نمود و دیگران سر باز زدند) با آیه وَاشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ ... 13 / مجادله . (آیا صدقه دادن پیش از رازگویی بر شما گران آمد؟) آن حکم اول نسخ گردیده و عدم لزوم صدقه دادن اعلام میشود.

نَاجِيْتُمْ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوِيكُمْ صَدَقَةٌ.... 12 / مجادله .

(ای مؤمنان هنگامیکه با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم رازگویی میکنید پیش از آن صدقه بدهید....)

5- آیاتی که مطالب متعالی و مافوق مادی را بیان میکنند: مانند: الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى 5/ طه (خداوند بر عرش استیلا دارد).

در درس آینده به پاسخ دو سؤال دیگر خواهیم پرداخت.

«خلاصه ی درس»

واژه قرآن مصدر است و در لغت به معنای خواندن، ضمیمه کردن و جمع کردن است، و بدان جهت بر قرآن مجید اطلاق شده است که این کتاب از یک سلسله الفاظ خواندنی

ص: 17

تشکیل شده است و اشاره ای است باینکه این کتاب بزرگ دارای حقیقتی بس متعالی است و برای آنکه بشر بتواند از آن استفاده کند بصورت الفاظ خواندنی درآمده است.

«کلمه آیه» بمعنی نشانه و علامت گویا است و از آنجا که جملات قرآن نشانه های خداوند و اوصاف او و دلیل و علامت صدق گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله است آیه و آیات نامیده شده است.

(سوره) بر حسب ریشه اصلی آن بمعنی شیئی برجسته، باقیمانده یک چیز و قطعه و قسمت جدا و مشخص میباشد و مقصود از سوره ی قرآن «در آیات قرآن» قطعه مشخصی است که دارای آغاز، انجام، هدف مشخص و مفاد کامل و بی نیاز از ضمیمه ای باشد.

سوره هایی که پیش از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مدینه نازل شده «مکی» نامیده میشود و سوره هایی را که پس از هجرت وحی شده است مدنی می نامند.

حادثه، پرسش و شراطی را که یک آیه یا سوره درباره آنها و یا در آن شرائط نازل شده شأن نزول آیه یا سوره می گویند و آگاهی از آن نقش مهمی در فهم آیه یا سوره دارد.

قرآن کنونی که در اختیار ما است بدون شک همان قرآن نازل شده بر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله است و جمله اضافی در آن وجود ندارد و از آن نیز چیزی کم نشده است و اهتمام فوق العاده مسلمانان به فراگیری و حفظ قرائت قرآن چه در صدر اسلام و چه پس از آن در این امر نقش بسزائی داشته است. قرآن مجید آیات

خود را به دو دسته تقسیم میکند :

الف - محکّمات: آیاتی هستند که مقصود خدا در آنها بروشنی بیان شده بطوریکه با دقت در آیه مفاد آیه برای خواننده روشن می گردد.

ب - متشابهات آیاتی که مطلب در آن با عبارات چند پهلو بیان شده است و برای فهم آن نیاز به رجوع به آیات دیگر و روایات دارد.

آیات متشابه در قرآن 5 قسم می باشند :

1- حروف مقطعه 2- عام ها 3- مطلق ها 4- منسوخ ها 5- آیات بیانگر حقایق متعالی مافوق مادی .

خود را بیازماییم:

1- چرا قرآن مجید را «قرآن» نامیده اند؟

2- نزول قرآن به چه معنی است؟

3- آیه و سوره را تعریف کرده و تعداد سوره و آیات قرآن را ذکر کنید؟

4- شان نزول یعنی چه؟

5- آیات و سوره مکی و مدنی کدامند؟

6- محکم و متشابه را توضیح دهید و برای هر یک مثالی غیر از مثالهای کتاب ذکر کنید .

7- اقسام متشابه در قرآن را توضیح دهید .

ص: 19

در درس نخست با توجه به اینکه آیات متشابه میتواند دستاویز منحرفین قرار گیرد 3 سؤال مطرح گردید که به یکی از آن سه پاسخ دادیم اکنون به پاسخ دو سؤال دیگر توجه فرمائید:

تشابه از چه ناشی میشود؟

عواملی که منشاء تشابه عبارات چند پهلو - بطور کلی - خواه در قرآن خواه در غیر آن میگردد در امور زیر خلاصه میشوند:

1- گاهی از آنجا که گوینده از قدرت بیان به حد کافی برخوردار نیست برای بیان مطالب خود الفاظ و عباراتی را بکار میبرد که تا چند معنای مختلف را دارد و گفتارش چند پهلو و متشابه، می گردد. مانند فارسی زبانی که بخواهد به زبان عربی یا انگلیسی سخن گوید و به قواعد و لغات این دو زبان آشنایی کافی نداشته باشد و یا مانند افرادی که از قدرت بیان، چندان برخوردار نیستند.

2- در پاره ای موارد گوینده عمداً مطلب را بصورت معما

بیان می کند و غرضش مبهم گوئی است و این معما گویی منشأ تشابه می باشد مانند :

هند و بطعنه گفت که یاران خدا دو تاست *** لعنت بر آنکسی که بگوید، خدا یکی است

3- در برخی موارد گوینده هدفش آن است که مطالب را گروه خاصی بفهمند و بدین جهت مطلب را بصورت رمزی بیان میکند و این امر باعث میشود که برای کسانی که از این رمزها آگاهی ندارند عبارات متشابه گردد. اینگونه تعبیرات در سخنان سیاستمداران کار برد زیادی دارد.

4- گاهی بععلی قیود، قرائن و استنهای یک گفتار از متن آنجا میگردد یا گوینده از ذکر آنها در آن موضع خود داری میکند و یا خواننده از توجه به آنها غافل میشود و در نتیجه گفتار صورت تشابه بخود میگیرد. مانند آنکه کسی بگوید «شیر خوب است» معلوم نیست مقصود او شیر درنده است یا شیر خوردنی، یا آنکه شیر آب مورد نظر او است در صورتیکه اگر بگوید: «شیر جوشیده خوب است» می فهمیم که مقصود شیر خوردنی است.

5- گاهی هم مطالبی که بیان میشود بسیار فراتر و وسیعتر از قالب الفاظ است و بهر صورت که بیان شود الفاظ و عبارات از رساندن حقیقت معنی و مفهوم واقعی آن ناتوان هستند و در نتیجه محدودیت الفاظ منشاء تشابه عبارات میگردد مانند تعبیر از حقایق مجرد و ما فوق مادی با الفاظ معمولی که برای معانی

ص: 22

حافظ درباره ی غیر قابل بیان بودن حقایق عرفانی میگوید :

سخن عشق نه آنست که آید به زبان *** ساقیامی ده و کوتاه کن این گفت و شنود

از میان عوامل پنجگانه تشابه که یاد آور شدیم عامل اول و دوم در قرآن وجود ندارد زیرا اولاً قرآن نه تنها با بیان روشن و رسا سخن میگوید و نور و هدایت است و به زبان عربی آشکار نازل شده است بلکه قدرت بیان و اسلوب سخنش، خود اعجاز است و ثانیاً قرآن هرگز کتاب معما نیست که هدفش سرگرم ساختن جامعه و معماگویی باشد بلکه قرآن فرود آمده تا جامعه را از سرگرمی های بچه گانه و غیر انسانی باز دارد. ولی 3 نوع عامل اخیر را میتوان در قرآن یافت.

حروف مقطعه قرآن را میتوان از بیانات رمزی دانست چنانکه از روایات نیز چنین مطلبی استفاده میشود. همانطور یکه عام ها، مطلق ها، منسوخ ها و نظایر آن در اثر عامل دوم متشابه میگردد.

عامل پنجم : منشأ تشابه بسیاری از آیات قرآن است. برخی از موضوعات که در قرآن مطرح گردیده است، از امور غیبی و ماوراء طبیعت سخن میگوید و روشن است که این گونه مسائل را نمیتوان با الفاظ و عباراتی که برای مفاهیم مادی وضع شده اند بیان نمود.

معانی هرگز اندر حرف ناید *** که بحر بیکران در ظرف ناید

مثلاً چگونه این الفاظ میتوانند خدا را توصیف کنند؟ یا چگونه میتوان از حقیقت وحی با این الفاظ سخن گفت؟ و یا حقیقت فرشتگان و حقایق جهان پس از مرگ و مقام های اولیاء الله را با این عبارت چگونه میتوان بیان نمود؟

ولی از آنجا که قرآن برای راهنمایی بشر نازل شده است و ناچار برای بیان مقاصد خویش از همین الفاظی که انسان بکار میبرد استفاده میکند ناگزیر آن موضوعات متعالی و لطیف هم با عباراتی بیان شده است که بشر برای موضوعات مادی بکار میبرد و این امر موجب تشابه اینگونه آیات میگردد .

فلسفه ی آیات متشابه

گاهی سؤال میشود که چرا تمام آیات قرآن بصورت محکم بیان نشده است؟ و اصولاً چه لزومی دارد که چنین آیاتی در قرآن وجود داشته باشد؟ در پاسخ این سؤال با توجه به آنچه در عوامل و منشأ تشابه آیات گذشت یادآور میشویم بنظر میرسد که فلسفه ی وجود آیات متشابه میتواند در این امور خلاصه گردد.

1- جلوگیری از خطراتیکه اساس اسلام را تهدید میکنند. برخی از مسائلی که در قالب عبارات چند پهلو ذکر شده است از موضوعاتی است که اگر دشمن از آن آگاه شود آینده اش را پیش بینی کرده و در صدد ریشه کن ساختن اسلام و طرح توطئه های خائنانه علیه اسلام بر می آید. مثلاً در برخی از آیات

ص: 24

نسخ شده حکم عفو و گذشت در برابر توطئه های گروهی از اهل کتاب برای انحراف مسلمانان با آنکه یک حکم قطعی بوده و مربوط به آغاز بعثت و دوران ضعف مسلمین است (1) بصورت یک حکم دائمی بیان گردیده است تا از حساسیت دشمن نسبت به اسلام و مسلمین بکاهد و پس از گسترش اسلام و نیرومندی مسلمانان آن حکم با آیه (2) 29 توبه نسخ می گردد و دستور جنگ و مبارزه داده میشود .

بدیهی است که اگر در آیه اول صریحاً اعلام میشد که دستور عفو یک قانون تاکتیکی است و پس از آنکه نیرومند شدید دستور حمله صادر خواهد گشت، دشمن به طرح دراز مدت پی برده و با دیگر نیروهای ضد انقلاب متفق میگشت و اسلام را

ص: 25

1- وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعُفُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ 109 / بقره بسیاری از اهل کتاب با اینکه حقیقت برایشان روشن شده است از روی حسد میخواهند شما را پس از ایمان به کفر بازگردانند پس شما عفو کرده و در گذرید تا دستور خدا بیاید و خدا آنچه را میخواهد انجام دهد که خدا بر هر چیز تواناست.

2- (قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ) با آن گروه از اهل کتاب که بخدا و قیامت ایمان نمی آورند و آنچه را که خدا و رسولش ممنوع کرده حرام نمیدانند و بدین حق گردن نمی نهند پیکار کنید تا با ذلت و تواضع بدست خویش جزیه دهند .

پیش از گسترش و نیرومندیش از بین می برد.

2- در پاره ای موارد، تشابه آیات بخاطر جدا بودن و دور افتادن متن سخن از قیود و قرائن آن است. قرائن و قیود این نوع آیات یا در آیات دیگر قرآن و یا در روایات آمده است و پیامبر صلی الله علیه وآله و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام تنها کسانی هستند که کاملاً از این قیود و قرائن آگاهی دارند (1) جدا بودن این قیود و قرائن باین شکل عادی و طبیعی است ولی میتوان گفت که با توجه به آنکه اکثر این قیود در روایات آمده است چنین امری بخاطر توجه دادن به نیاز قرآن به مفسر واقعی و معلم راستین نیز هست. مانند آنکه می بینیم در قرآن مجید تنها اصل وجوب پرداخت زکات در آیه (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً) 103 توبه (از اموال مسلمانان زکات بگیر)، آمده و موارد مصرف آن در آیه دیگر 60 توبه مطرح گردیده است ولی بسیاری از خصوصیات دیگر آن در روایات ذکر شده است.

3- در برخی از آیات چنانکه در متشابه قسم پنجم گفته شد سخن از حقایقی متعالی است که بیان آنها ملازم با تشابه ینگونه آیات برای ناآگاهان خواهد بود و تنها راه جلوگیری از تشابه در اختیار قرار ندادن آنهاست، ولی از آنجا که خداوند فیاض مطلق است و به هر موجودی آنچه را که شایسته اوست

ص: 26

1- البته کسانی که واجد شرایط تحقیق و تفسیر قرآن باشند نیز با توجه به آیات محکم و با مراجعه به روایات مرتبط با آیه مورد نظر در حد توانایی خویش بر حل تشابه اینگونه آیات قادرند .

می بخشد و در میان انسانه بسیارند کسانی که قابلیت در یافت چنین حقایقی را دارند این حقایق برای انسانها بیان میشود ولی طبیعی است که بیان آن حقایق با الفاظی که برای امور مادی وضع شده است منشأ چنین تشابهی خواهد گشت. مثلاً وقتی که قرآن می خواهد از این سخن گوید که: خدا سامان دهنده ی جهان هستی است و همه چیز از او منشاء میگیرد و با و منتهی میشود و آنچه پدید آید بدستور او و تحت فرماندهی اوست از تعبیری که انسانها در مورد حکمفرمایان بکار می برند استفاده نموده و می فرماید: **الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى** خداوند بر سریر فرماندهی کل هستی نشسته است و بر آن استیلا دارد.

تاویل چیست؟

کلمه ی تاویل مصدری است از ریشه ی «اول - بازگشتن» و معنای لغوی آن باز گرداندن است. (1) این کلمه در روایات زیاد تکرار شده و در قرآن مجید نیز 17 بار آمده است. (2)

گاهی واقعیتی را که خواب از آن حکایت میکند تاویل

ص: 27

1- مصدرها در زبان عربی هم علاوه بر معنای مصدری در معناهای اسم مصدری اسم فاعلی، اسم مفعولی نیز میآید که در اینجا معنای مناسب همان مفهوم اسم مفعولی است یعنی آنچه قرآن به آن باز میگردد که معنای اسم مفعولی با واسطه است.

2- آل عمران دو بار 59 / نساء 53 اعراف دو بار 39 / یونس، 101 و 100 و 45 و 44 و 37 و 36 و 21 و 6 / یوسف 35 اسراء، 78982 كهف.

می نامد (1) و گیاه پس از چند دستور حکیمانه میفرماید: (ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا) (2) این دستورات بهتر و دارای تأویل نیکوتری است گاهی هم از فلسفه و اسرار انجام برخی کارهای مرموز با کلمه ی تأویل یاد می کند. (3) در سه آیه نیز از تأویل قرآن سخن به میان آورده و به ذکر ویژگیها و آثار آن پرداخته است. (4)

با کمی دقت روشن میشود که موارد مذکور بیک مفهوم مشترک باز میگردند و آن بازگشت یک امر ظاهری به یک حقیقت یا واقعیت باطنی است. بنابراین بنظر میرسد که ذکر موارد متعدد برای تأویل در حقیقت تطبیق یک معنی بر مصادیق گوناگون است.

درباره ی تأویل قرآن نظریات و آراء بسیار متعدد و مختلفی وجود دارد برخی آن را از مفاهیم مطابق با ظاهر قرآن دانسته و عده ای مفهوم مخالف با ظاهر آیات را تأویل میدانند. گروهی آن را با اعتقاد انسان ارتباط داده و ذکر معنی آیه را بعنوان یک نظر قطعی تأویل نامیده اند.

و بالاخره عده ای از مفسرین بزرگ تأویل قرآن را از حقایق عینی خارجی میدانند (5) ذکر و بررسی و نقد این نظریات

ص: 28

1- مانند 100/ یوسف

2- مانند 59/ نساء .

3- مانند 87/ کهف .

4- مانند 53/ اعراف .

5- مانند علامه بزرگوار مفسر کبیر سید محمد حسین طباطبائی مدظله العالی که معتقدند مدلول پاره ای از آیات قرآن این است که قرآن دارای حقیقتی متعالی است و آن مرتبه ای از علم الهی است و مقصود از تأویل قرآن همان حقیقت است.

از حوصله ی این بحث کوتاه خارج است و بهمین جهت تنها بذکر

نظر به صحیح، اکتفا می کنیم.

از سه آیه ای که درباره ی تاویل قرآن آمده است بدست می آید که :

1- تمام قرآن تاویل دارد.

2- تاویل قرآن را فقط خدا (یا آنکس که او بخواهد) میداند.

3- تاویل قرآن در جهان پس از مرگ برای همه نمودار میگردد.

4- پس از آشکار شدن و آمدن تاویل قرآن هیچ عمل اختیاری در سرنوشت انسان اثر نخواهد داشت.

5- مخالفین در جهان دیگر با مشاهده ی تاویل قرآن کاملاً میبایند که آنچه پیامبران می گفته اند حق بوده و آرزوی بازگشت به دنیا و انجام عمل صالح می کنند.

6- منحرفین با دستاویز قرار دادن آیات متشابه میخوانند به تاویل قرآن پی برند.

با توجه به آنچه گذشت تاویل قرآن حقایقی عینی و خارجی است که رابطه خاصی با آیات قرآن دارد و آیات قرآن به آن باز می گردد. آنچه‌انکه رویاهای صادق حاکمی از

ص: 29

واقعیت های خارجی است و به آنها بازگشت میکند و آنطور حکمت های قرآنی کاشف از حقایق متعالی است.

تاویل به این معنا برای تمام آیات قرآن اعم از آیات جهان بینی، قصص و احکام ثابت میشود و در ورای همه آیات قرآن کریم حقایق وجود دارد که آیات به آنها باز می گردند. تاویل آیات جهان بینی همان حقایق است که در جهان بینی قرآن اثبات میگردد و آیات قصص قرآن و آیات الاحکام نیز بیانگر یک سلسله قوانین و روابط حقیقی است که در جهان هستی حکمفرماست و بصورت داستان یا باید و نباید و خوب و بد بیان گردیده است مثلاً فرمان (أَقِمِ الصَّلَاةَ) (1) (پادار نماز را) از دیدگاه قرآن نشان دهنده ی یک رابطه واقعی بین عمل انسان (نماز خواندن) و قرب بخداست (2) و یا قرآن با ذکر داستان موسی و فرعون، در ورای این داستان حقایق نظیر پیروزی نهایی حق و زوال باطل را در قالب این قصه ها بیان نموده است و لذا گاه از

ص: 30

1- مانند آیه 114 از سوره ی هود.

2- باین معنی که بین نماز خواندن و قرب به خدا رابطه مثبت وجود دارد و تعبیر نماز را پادار و یا باید نماز خواند صرفاً قالبی است که این حقیقت را (در مقام بیان) بدان اظهار میکنند و گرنه میتوانیم بجای «نماز را پادار» بگوییم بین نماز خواندن و رسیدن و نزدیکی بخدا رابطه مثبت وجود دارد. و از اینجا روشن میگردد که باید و نبایدها (تعبیر کلی تر احکام عقل عملی) نیز در واقع از مقوله ی (هست ها) می باشد و جز درک رابطه های مثبت یا منفی چیز دیگری نیست و بهمین جهت رابطه منطقی بین هست ها و نبایدها وجود دارد .

بطن قرآن :

هنگامی که قرآن را مطالعه میکنیم با دقت و تدبر در آیات قرآن مطالبی را میفهمیم و به یک سلسله مفاهیم و معانی پی می بریم که مطابق با ظاهر جملات و عبارات قرآن است طبق اصول محاوره میتوان به آن تمسک کرد. هر کس با اصول محاوره و زبان عربی آشنا باشد میتواند این معانی را از آیات قرآن بدست آورد اینگونه معانی را معنای ظاهر قرآن یا آیه می گویند. ولی وقتی به روایات مراجعه می نماییم می بینیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه طاهرین علیهم السلام در مورد بسیاری از آیات قرآن معنایی را بیان میفرمایند که مطابق با ظاهر آیات نیست و برای همه قابل فهم از ظاهر آیات نمی باشد هر چند این معانی با الفاظ و عبارات قرآن بی ارتباط نیستند. اینگونه معانی در روایات، «بطن» نامیده شده است. از روایات وارد شده در این زمینه با توجه به مفهوم کلمه ی بطن بدست می آید که:

1- قرآن دارای چندین بطن است. (1)

2- بطن قرآن پنهان و از دسترس عموم بدور می باشد.

3- بطنهای قرآن در طول یکدیگرند و هر بطنی نسبت به بطن قبلی مخفی تر و پنهان تر است. (2)

ص: 31

1- *إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَعْنَا وَلِبْطِنِهِ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ*. قرآن دارای ظاهر و باطنی است و باطن قرآن نیز دارای بطنی است تا هفت بطن .

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم مقدمه تفسیر صافی ج 1 ص 18

2- *إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَعْنَا وَلِبْطِنِهِ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ*. قرآن دارای ظاهر و باطنی است و باطن قرآن نیز دارای بطنی است تا هفت بطن .

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم مقدمه تفسیر صافی ج 1 ص 18

4- بطن قرآن را بطور کامل جز خدا، پیامبر صلی الله علیه وآله وائمه علیهم السلام کسی نمی داند. (1)

5- با تحلیل عقلی و نظیر آن نمیتوان به بطن قرآن دست یافت مگر آنکه در آیات و یا روایات شاهد و دلیلی بر آن باشد. (2)

6- سر آنکه قرآن با زبان بطن سخن میگوید این است که: حقایقی وجود دارد که هر کس ظرفیت و استعداد و درک آن را ندارد و یا تاب تحمل آن را ندارد. (3)

ص: 32

1- امام باقر علیه السلام می فرماید: (ما یَسْتَطِيعُ أَحَدًا أَنْ يَدَّعِيَ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ ظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ) جز جانشینان پیامبر صلی الله علیه وآله کسی نمی تواند ادعا کند که تمام قرآن ظاهر و باطنش را گرد آورده و در اختیار دارد. (بحار الانوار ج 29 ص 88).

2- امام باقر علیه السلام به یکی از اصحابش بنام «جابر» می فرماید (یا جَابِرُ إِنَّ لِقُرْآنِ بَطْنًا وَلِلْبَطْنِ بَطْنًا وَلِلظَّهْرِ ظَهْرًا يَا جَابِرُ لَيْسَ أَبْعَدُ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْهُ) جابر برای قرآن بطنی هست و بطن آن بطنی دارد و برای ظاهر قرآن ظاهری است ای جابر چیزی از دسترس عقل دورتر از قرآن نیست. بحار الانوار ج 92 ص 94 و 91.

3- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَنَانٍ که از اصحاب امام صادق علیه السلام است میگوید تفسیر آیه (ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ) سپس موی سر یا ناخن را کوتاه کنند و به نذرهایشان وفا کنند). حج / 29 را از امام ششم علیه اسلام پرسیدم امام علیه اسلام پاسخ فرمود موی شارب را کوتاه کردن و ناخن گرفتن و امثال آن عرض کردم: فدایت شوم ذَرِيحٍ محاربی از شما برایم نقل کرد که فرموده اید مقصود از (ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ) ملاقات امام می باشد و منظور از (وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ) آن مناسک مخصوص حج است امام ششم علیه اسلام فرمود: ذَرِيحٍ درست گفته است و هم تورا است میگوی قرآن ظاهر و باطنی دارد (وَمَنْ يَحْتَمِلُ مَا يَحْتَمِلُ ذَرِيحٌ) و چه کسی آنچه را ذریح هضم میکند تحمل خواهد کرد و دریافت خواهد نمود. بحار الانوار ج 92 ص 84 و 83

نمونه ای از بطون قرآن .

قرآن مجید در آیه 36 از سوره نساء می فرماید: (وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا) (خدا را پرستش کنید و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید).

معنای ظاهری آیه نهی از بت پرستی و اختصاص دادن عبادت به خدا میباشد که با آشنایی به زبان عربی و اصول محاوره میتوان آن را فهمید. ولی با توجه به آیات و روایات دیگر روشن میگردد که پرستش بتها بدانجهت که خضوع و فروتنی در برابر غیر خداست ممنوع می باشد و بنابراین در برابر فرمان خدا از غیر خدا (مانند شیطان، جن، فرشتگان، انسانهای دیگر و...) (1) اطاعت کردن شرک است و از آن نهی شده است این معنی یک مفهوم بطنی است که در طول معنای ظاهر آیه است.

با دقت بیشتر و توجه به روایات و آیات دیگر باین نکته

ص: 33

1- هم چنانکه در آیات یس/ 60 ، سبا / 41 ، 40 ، مائده/ 73 و... این موضوع آمده است.

پی میبریم که در اطاعت غیر خدا فرقی بین خود و غیر نیست و اگر انسان دنبال خواسته‌های نفسانی خویش رود و نفس خود را کنار خدا و یا بجای خدا، پیروی کند (1) این نیز نوعی شرک است که آیه از ارتکاب آن نهی میفرماید. این نیز یک معنای بطنی است که از معنای پیشین مخفی تر است. با تحلیلی دقیقتر معلوم می‌گردد که نباید به غیر خدا توجه داشت و باید از آنچه غیر خداست روی خویش را بسوی الله گرداند زیرا توجه به هر موجودی جز خدا استقلال دادن باو و خضوع و فروتنی در برابر او است که با روح عبادت و پرستش خدا سازگار نیست و آیه از آن نهی می‌کند و انسان باید عبادت خویش و هرگونه تلاش و فعالیت را که از او سر میزند جز برای خدا انجام ندهد (2) و بر این

ص: 34

1- چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ) (جاثیه / 23). آیا دیدی آنکس را که هوای نفس خویش را اله و معبود خود قرار داده است.

2- همانطور یکه در آیه اعراف/ 179 به آن اشاره شده است. (قرآن در اسلام) و نیز در روایات آمده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: (نَبِيُّ الشِّرْكِ فِي أُمَّتِي أَخْفَى مِنْ دَيْبِ التَّمَلَةِ السُّودَاءِ عَلَى الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ) نیت شرک در بین امت من از حرکت مورچه ای سیاه بر سنگی صاف در شبی تاریک و ظلمانی، پنهان تر است و نیز در نهج البلاغه علی علیه السلام پرستش خدا بمنظور بهشت و یا نجات از دوزخ را از عبادت آزادگان خارج میدانند. (به سفینه البحار ج 1 ص 697 مراجعه شود).

اساس عبادت برای نائل شدن به بهشت و نعمتهای آن یا نجات از دوزخ و عذابهای آن با روح عبادت و اخلاص منافات دارد. این نیز معنای بطنی دیگری است که از معانی یاد شده ی پیش مخفی تر

است. (1)

«خلاصه درس دوم»

1- عواملی که منشاء تشابه و چند پهلو شدن یک عبارت می گردند در 5 چیز خلاصه می شوند :

الف - فقدان قدرت بیان. ب - قصد معماگویی. ج - مطالب را بصورت رمز بیان کردن. د - جدایی قیود، قرائن و استثناها از متن سخن
ه - متعالی بودن مطالب و نارسایی و محدودیت الفاظ و تعبیرات.

2- از 5 عامل فوق دو عامل اول در قرآن مورد ندارد و غیر قابل تصور میباشد ولی برای 3 عامل دیگر آن میتوان موارد فراوانی پیدا نمود.

3- حروف مقطعه قرآن چنانکه در برخی روایات آمده بیانات رمزی است و عام ها و منسوخ ها نمونه ای از نوع دوم می باشد چنانکه آیاتی که از حقایق ماوراء الطبیعه سخن

ص: 35

1- لازم به یادآوری است که مراد از شرک در اینجا شرک خفی است. که با بعضی از مراتب ایمان به خدا منافات ندارد و بدینجهت است که قرآن مجید نیز ایمان اکثر مومنان را آمیخته با شرک میدانند. (وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ الْآوَهُمْ مُشْرِكُونَ يوسف / 106) .

میگویند عامل تشابه آنها در متعالی بودن مطالبشان و نارسائی الفاظ نهفته است.

4- با اینکه درباره ی فلسفه آیات متشابه نظریات متنوع و فراوانی ارائه شده است میتوان سه نکته زیرا را اساسی ترین فلسفه آیات متشابه دانست:

الف - جلوگیری از خطراتی که اساس اسلام را تهدید می نمود و ممکن بود منجر به نابودی اسلام و مانع رشد گسترش آن گردد.

ب - متوجه ساختن جامعه اسلامی به مقام رهبری و سیر دادن امت اسلامی بطور طبیعی به پیروی از اهل بیت علیهم السلام.

ج - از آنجا که پاره ای از معارف قرآنی پایه های اساسی هر اعتقاد ارزشی را تشکیل میدهند و در بین انسان ها کسانی هستند که قابلیت و شایستگی در یافت و لمس کردن آن حقایق را دارند خداوند آن مطالب را در قالب همین الفاظ و عباراتی که بیانگر حقایق مادی است بیان فرموده است. متعالی بودن و مافوق مادی بودن آن حقایق از یکسو و نارسایی این الفاظ و عبارات از سوی دیگر منشأ تشابه اینگونه آیات برای ناآشنایان با کنه آن حقایق و معارف آسمانی گردیده است.

5- کلمه ی تاویل که در قرآن و روایات بصورت مکرر آمده است از ریشه «أول» = «رجوع» و به معنی بازگرداندن، بازگشت، برگردان و ... می باشد و مقصود از تاویل قرآن حقایق

ص: 36

عینی و خارجی است که آیات قرآن بنحوی به آنها باز میگردد. آنچنان که رؤیاهای صادقه به حقایق خارجی که حاکی از آن است باز می گردد.

6- دستیابی به تاویل قرآن در دنیا تنها برای کسانی امکان پذیر است که پیوندی با خدا داشته و علمی از سنخ علم الهی در اختیارشان قرار گرفته است. البته در جهان پس از مرگ همه ی انسانها بصورتی غیر قابل تردید و انکار از تاویل قرآن آگاه می گردند.

7- آیات قرآن علاوه بر معنای ظاهری که برای آشنایان به زبان عربی با توجه باصول و قوانین محاوره قابل فهم است دارای چندین معنای باطنی است این معانی از ظاهر عبارات قرآن بدست نمی آید هر چند بی ارتباط با معنای ظاهری آن نیست.

8- از روایات و احادیث شریف پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام بدست می آید که:

الف - قرآن مجید دارای چندین بطن است.

ب - بطن قرآن پنهان بوده و از دسترس عموم بدور می باشد.

ج - بطنه ای قرآن در طول یکدیگر و بترتیب هر یک نسبت به بطن های پیشین مخفی تر است.

د - بطن قرآن را بطور کامل جز خداوند بزرگ و پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام کسی نمی داند.

ه - با تحلیل عقلی و نظیر آن نمیتوان به بطن قرآن دست

یافت.

و - یکی از اسرار آنکه قرآن با زبان بطن سخن گفته این است که حقایق و معارفی وجود دارد که هر کس ظرفیت و گنجایش درک و پذیرش آن را ندارد

خود را بیازماییم :

1- چرا دو عامل اول از عوامل تشابه در قرآن وجود ندارد؟

2- برای سه عامل تشابه آیات قرآن مثال هایی غیر از آنچه در کتاب آمده ذکر فرمائید.

3- تاویل بچه معنی است و مقصود از تاویل قرآن چیست؟

4- ویژگی های تاویل قرآن کدام است؟

5- بطن قرآن چیست؟ برای آن مثالی غیر از مثال کتاب یادآور شوید.

ص: 38

قرآن مجید از یک سلسله ویژگی های خاص خود برخوردار است این ویژگی ها است. که قرآن را بصورت یک کتاب استثنایی در آورده است. در این بخش به بررسی برخی از این ویژگی ها می پردازیم:

1- آمیختگی مطالب

هر کتاب را بگشایید با مقدمه ای شروع میشود در طی چند بخش به موضوعات مشخص و مطالب معینی میپردازد و سرانجام به نتیجه ی نهایی در پایان کتاب میرسد.

روشی است که معمولاً در هر کتابی وجود دارد و از دقت نویسنده، قدرت دسته بندی و تا حدی از آشنائیش با موضوع مورد بحث حکایت میکند .

انسان که با این نوع تقسیم بندیها از پیش انس داشته در اولین برخورد با قرآن شگفت زده میشود زیرا قرآن را کتابی می بیند که آیه هایش تحت عنوانهای مشخص دسته بندی نشده است. هیچگاه فصلی در هستی شناسی، بخشی خاص در مورد

انسان یا قسمت ویژه ای پیرامون مبارزه با طاغوت و نظایر اینگونه رده بندیها را در قرآن نمی یابد.

قرآن مجید در عین اینکه از هستی شناسی انسان شناسی، تعلیم و تربیت، جهاد و مبارزه با طاغوت قوانین فردی و اجتماعی، تاریخ سیاست و حکومت، اقتصاد و بازرگانی و ده ها و بلکه صدها موضوع دیگر سخن گفته است دارای چنین تقسیم بندیهایی نیست. قرآن از یک آمیختگی خاصی برخوردار است. با آنکه هر موضوعی را به دقت بیان میکند ولی هر جای این کتاب بزرگ را باز کنیم نامی از این فصل ها و نشانه یی از این عنوان ها نخواهیم یافت.

اصولاً قرآن بگونه یی است که نمی توان آن را در چارچوب فصول و ابواب معینی قرارداد بدون آنکه به مثله شدن آیات بیانجامد و در این صورت ممکن است اشتباهاتی که دامن گیر یک محقق میشود بیشتر از فوایدی باشد که بر این فصل بندی ها، مترتب میشود. (1)

راستی چرا قرآن اینگونه در هم آمیخته است؟ چرا مثل حروف الفبا آیه ها و جمله ها در کنار یکدیگر قرار گرفته اند؟ چرا قرآن مطالب را اینگونه بیان می کند؟

ص: 40

1- البته باید توجه داشت که این سخن به معنی محکوم کردن تفسیر قرآن بروش موضوعی نیست اما مبین وجود چنین نقصی که یادآور شدیم میباشد بلکه شاید برای بعضی زنگ خطری است تا با مراقبت بیشتر با این روش کار کند.

در این بهم آمیختگی راز مهمی نهفته است. قرآن مجید در هر بخشی مسائل گوناگون اخلاقی، اجتماعی، عبادی، اقتصادی، عرفانی و... را بهم می آمیزد و از آن معجونی شفافبخش برای انسان که آمیزه ای از تمایلات نیروها و کشش های گوناگون است فراهم میسازد. تا هر کس شفای خویش را در هر زمینه، با خواندن آن بدست آورد و از سوی دیگر مطالب به گونه ای بیان شده است که بتوان با . کردن یک آیه با آیه ی دیگر متناسب با آن یک نتیجه بدست آورد و همانند حروف الفبا که میتوان از آنها بی نهایت کلمه ساخت از ضمیمه کردن آیات به یکدیگر نیز در حدی وسیع میتوان به حقایق جدیدی دست یافت و این را میتوان یکی از عوامل تبیان کُلِّ شَیْءٍ (بیانگر هر چیز) بودن قرآن دانست.

2- جامعیت قرآن

(وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) ... 89/نحل. قرآن کتاب فلسفه، تاریخ، ادبیات، اقتصاد و یا هر علم دیگر نیست، بلکه یک کتاب انسان ساز و هدایت گر است. قرآن از خدا، از انسان از سعادت و کمال نهایی او (رسیدن به خدا) و از مسیر دستیابی به این هدف سخن میگوید و در این زمینه آنچه را مورد نیاز بشر میباشد و او را بکمال واقعی او (نزدیکی به خدا) رهنمون میسازد تبیین نموده است. بهمین جهت است که قرآن هم نقل تاریخی دارد و هم فلسفه ی تاریخ، هم از اقتصاد سخن

میگوید و هم از اخلاق و خودسازی هم انسان شناسی را مطرح ساخته است و هم هستی شناسی هم قوانین فردی دارد و هم دارای قوانین اجتماعی است. قرآن مجید همه ی این مسائل و دیگر مسائلی را که به آنها پرداخته است در محدوده هدایت انسان بسوی کمال حقیقی و نهائیش و در این ارتباط بیان میکند و بهمین جهت است که می بینیم گاهی یک قسمت از یک مطلب علمی را مطرح میسازد و بدون آنکه آن قسمت خاص را به پایان برد، موضوع دیگری را پیش میکشد و ناگهان صحنه را عوض میکند و یک لحن عتاب آمیز بخود می گیرد. (1)

جامع بودن

ص: 42

1- مثلاً در، سوره ی قیامت چنین می خوانیم: (اَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ). آیا آدمی پندارد که ما دیگر ابداً استخوان های (پوسیده) او را باز جمع نمی کنیم؟! بلی ما قادریم که سر انگشتان او را هم درست کنیم. بلکه انسان میخواهد هر چه در پیش است را به فجور گذراند، می پرسد روز قیامت کی خواهد بود. در آیه 4 سخن از درست کردن سرانگشتان است یعنی جمع آوری استخوان های پوسیده که چیزی نیست، ما حتی قادریم سرانگشتان از بین رفته ی هر انسانی را دوباره بسازیم. این آیه اشاره به مطلب بسیار دقیقی است که اساس انگشت نگاری را تشکیل میدهد و آن عدم تشابه کامل بین هیچیک از سرانگشتان انسانی با انسانی دیگر است. در آیه 5 مطلبی مربوط به روانشناسی و روانکاوی را بیان میدارد و آن یکی از علل مهم روانی انکار حقیقت است. مضمون آیه چنین است: «چون انسان میخواهد جلو خود را باز کند و هرگونه سد و مانعی را از برابر خود بردارد و آزادانه به بی بند و باری ها و پیروی از هواها پردازد دست به انکار قیامت میزند» غرض این است که: این دو مطلب با آنکه رنگ علمی دارند اما بمنظور آموختن دو مطلب صرفاً علمی مطرح نشده اند بلکه هدفی صددرصد ارشادی منظور است. برای همین جهت است که پس از ذکر این دو مطلب بلافاصله به انداز می پردازد و بیانات تهدید آمیز مطرح میشود. در اکثر سور قرآن از این آیات به وفور یافت میشوند بعنوان نمونه هایی دیگر شما میتوانید به آیات 36 تا 40 همین سوره و آیات 1 تا 3 از سوره ی دهر مراجعه کنید.

قرآن به این معنی نیست که مجموعه ای از علوم مختلف را برای بشر گرد آورده است و بنابراین با فراگیری قرآن هیچگاه شخصی متخصص در فیزیک و یا شیمی و یا هیئت و یا هر علم دیگر نمیشود و اصلاً چنین توقعی از این کتاب که کتاب هدایت است بیجا است. البته این بدان معنی نیست که هیچگونه مطلب علمی در قرآن وجود ندارد بلکه همانطور که گذشت منظور آن است که در طرح آنها نیز جنبه ی هدایت و سازندگی انسان هدف اصلی بوده است و بدین مناسبت به همان اندازه که این هدف تامین شود نه بیشتر از آنها سخن گفته شده است.

پس جامع بودن قرآن بدان معنی است که از آنچه در سعادت بشر و رسیدن او به کمال واقعی اش موثر است فروگذار نکرده و در این زمینه بیانگر همه چیز است.

(وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً)

ص: 43

وما قرآن را که بیانگر هر چیز است بر تو فرو فرستادیم.

3- مصونیت قرآن

(وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ). (41 و 42 فصلت). در میان تمام کتابهایی که از سوی خدا یا بشر در اختیار انسان قرار گرفته است هیچ کتابی را نمی توان یافت که با وجود دشمنان بیشمار و گذشت قرنهای آن هم، در زمانی که وسیله نشر منحصر در دست نویسی بوده از تحریف و دگرگونی مصون مانده باشد. تا آنجا که ما میدانیم قرآن مجید تنها کتابی است که از این ویژگی برخوردار است.

قرآن مجید از هرگونه تغییر و دگرگونی و افزایش یا کاستی در امان مانده است اگر بنا بود در این کتاب تغییری رخ داده باشد یا بر آن چیزی افزوده و یا از آن کاسته باشند، بدون شک این دگرگونی و تغییر و یا این کاستی و افزودن، معانی عمیق و محتوای ژرف و پربار قرآن را دگرگون میساخت و با دگرگون شدن حقایق و معارفی که در قالب این الفاظ ریخته شده است قسمتهای مختلف قرآن از حد اعجاز و خارق العاده بودن سقوط میکرد و در نتیجه انسان، نمیتوانست سوره هایی همانند سوره های قرآن بیاورد در صورتی که در طی 14 قرن این کتاب بزرگ با فریاد رسایش اعلام می دارد که اگر تمام انسانها با

کلیه ی امکانات خویش تلاش کنند نمی توانند حتی یک سوره همانند سوره های قرآن بیاورند و نیز با توجه به ابعاد مختلف این کتاب عجز و ناتوانی بشر در این زمینه محسوس می گردد. و در واقع مصونیت قرآن حاکی از خارق العاده بودن قرآن است و خارق العاده بودن قرآن عامل مصونیت آن است، چنانکه میتوان این موضوع را از آیه 41 و 42 سوره فصلت استفاده کرد:

(وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ).

محققاً قرآن کتابی نفوذ ناپذیر است که بهیچوجه باطل را در آن راهی نیست از سوی خداوند حکیم و ستوده نزول یافته است.

علاوه بر آنچه گذشت مصونیت قرآن را خداوند بزرگ جهان خود نیز ضمانت کرده است .

(إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) / 9 / حجر.

همانا ما خود قرآن را فرو فرستادیم و خود نیز حافظ آنیم.

3- اعجاز قرآن

(قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْجِنَّ وَالْإِنْسُ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ). / 88 / اسراء .

قرآن کریم معجزه ی جاویدان پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم است پیامبران پیشین از قبیل ابراهیم و موسی و عیسی علیه السلام هم کتاب آسمانی داشتند و هم دارای معجزه بودند

ص: 45

ولی زمینه اعجازشان چیزی غیر از کتاب آسمانشان بوده، پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در عین حال که دارای معجزاتی بجز قرآن می باشد (1) مهمترین و شگفت انگیزترین معجزه آن حضرت

ص: 46

1- برخی از نویسندگان چنین پنداشته اند که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله غیر از قرآن معجزه ای نداشته و این را یکی از ویژگی های پیامبر صلی الله علیه وآله دانسته اند این گروه گفته اند معجزاتی از قبیل آنچه که حضرت موسی یا عیسی علیهما السلام برای مردم عصر خویش آوردند یک، دلیل اقناعی است و برای بشر (نابالغ که در فضایی زندگی میکرده که مملو از خرافات بود، اعجاب آور بود و میتوانست آنها را به پیروی از آن پیامبر وا دارد. ولی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله پیامبر انسان تکامل یافته است که سرو کارش با عقل و منطق است و آن کارهای خارق العاده نمی تواند در ایمان او اثر بگذارد و او را به خدا و وحی معتقد سازد. بهمین جهت با اینکه مخالفین با اصرار از پیامبر صلی الله علیه وآله می خواستند که معجزه ای برایشان بیاورد در یک مورد هم به آنها پاسخ مثبت نمیداد و میفرمود: (إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ) معجزات پیش خداست یا میفرمود: (هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا) (من که خدا نیستم) من بشری هستم که به رسالت فرستاده شده ام. ما فرصت آن را نداریم که بطور مفصل این نظریه را نقد و بررسی کنیم فقط بطور خلاصه میگوییم این طرز فکر که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم جز قرآن معجزه ی دیگری نداشته است پیش از این هم از طرف برخی از مستشرقین و کشیشان مسیحی مطرح گشته است و حکایت از عدم آشنایی با قرآن و معارف اسلامی دارد. هم قرآن (بعنوان نمونه آیات اول سوره ی قمر و اول اسراء) و هم روایات و هم تاریخ برخلاف این نظریه معجزات دیگر را برای پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم اثبات می کند. اما آیاتی که مورد اشتهاد قرار گرفته بود، هر چند در آنها از آوردن معجزه استتکاف شده است اما با دقت در آنها روشن میگردد که مخالفین معجزاتی را میخواستند که با هدف قرآن و ارسال رسل و آوردن معجزات سازگار نبود. هدف از معجزات هدایت بشر و اثبات نبوت انبیاء است ولی آنچه معاندین میخواستند، به یکی از چند صورت زیر بود: الف - درخواست اموری که محال است مانند آمدن خدا در نزد آنها تا او را ببینند. 92 / اسراء . ب - اموری که هیچ دلالتی بر پیامبری نداشت مانند باغ انگور و خرما داشتن پیامبر 91 / اسراء. ج - اموری که موجب هلاک شدن آنها می شد (نه هدایت) مانند آنکه آسمان بر سرشان خراب شود. 92 / اسراء . د - تصدیق مصلحتی و سودجویی مانند آنکه اگر چشمه ی آبی برای ما احداث نی ما به نفع تو ایمان میآوریم و رای میدهیم 90 / اسراء . ه - بهانه جویی مانند آنکه بروی آسمان و کتابی بر ما نازل کنی تا ایمان بیاوریم که به آسمان رفته ای 93 / اسراء .

کتاب آسمانی او «قرآن» است. اعجاز قرآن نشانه جاودانگی پیام و رسالت پیامبر صلی الله علیه وآله است.

قرآن مجید صریحاً جنبه‌ی فوق بشری بودن خود را در آیات متعدد با بیانه‌های گوناگون اعلام نموده است و از همه‌ی انسانها خواسته است که اگر در آیه بودن آن (1) شک دارند، سوره‌ای همانند آن بیاورند. و تا کنون آن چنان که خود نیز

ص: 47

1- همانطور که در درس اول گذشت آن معجزات را آیه و نه معجزه می‌نامند زیرا هدف از آنها این است که نشانه‌ای بر صدق گفته‌ی پیامبران علیهم السلام و ارتباط آنها با خدا باشد نه آنکه هدف عاجز ساختن بشر و فقط اثبات ناتوانی انسان باشد.

پیشگویی کرده است، نتوانسته اند یک سوره همانند قرآن بیاورند.

راستی چگونه قرآن معجزه است؟ مگر این کتاب از همین الفاظ، همین حروف و همین جملات که هر روز هر روز هر انسان عرب زبانی بارها تکرار میکند تالیف نشده است؟ پس چگونه هر کس حتی باندازه یک سوره (یک فقره) از آن را نتوانسته و نمی تواند بیاورد؟ این کتاب دارای چه ویژگی هایی است که اگر تمام انسانها با کمک از هر نیروی دیگری بجز الله با همه امکاناتشان تلاش کنند، جز شکست و یأس، دستاوردی نخواهند داشت.

(قُلْ لِّئِنْ أَجْتَمَعَتِ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا). 88/ اسراء.

(ای پیامبر صلی الله علیه و آله) اگر جن و انس متفق شوند که گفتاری همانند قرآن بیاورند نخواهند توانست هر چند یکدیگر را کمک کنند.

در درس آینده از ابعاد اعجاز قرآن سخن خواهیم گفت تا پاسخ سئوالهای بالا روشن گردد .

خلاصه درس سوم

1- قرآن بر اساس هدف خاصی که در نظر دارد. بر خلاف روش معمول نویسندگی در بیان مطالب

ص: 48

خویش از هیچگونه فصل بندی و دسته بندی پیروی نمی کند معارف متعالی خویش را آمیخته با یکدیگر بیان می فرماید .

2- این بهم آمیختگی علل و اسرار گوناگونی دارد که در ذیل به ذکر دو عامل اساسی آن می پردازیم:

الف - فراهم بهبودی بخش انواع بیماریهای معنوی بوده و تامین کننده کلیه نیازهای انسانها در ابعاد مختلف باشد.

ب - بیان مطالب بگونه ای که بتوان از هر آیه در زمینه های مختلف استفاده نمود و با ضمیمه ساختن آن به آیه مناسب دیگر نتیجه ای جدید بدست آورده آن سان که با ضمیمه کردن هر یک از حروف الفبا به یکدیگر میتوان کلمات جدیدی ساخت .

3- جامعیت قرآن، بدان معنی نیست که قرآن کتاب شیمی، فیزیک، تاریخ و یا هر علم دیگر است بلکه با توجه به آنکه قرآن کتاب هدایت و انسان سازی است - آنهم در بعدی بوسعت جهان بینی توحیدی اسلام - مقصود از جامعیت قرآن آن است که این کتاب بزرگ بیانگر همه ی چیزهایی است که انسان در سیر تکاملی خویش بسوی خداوند به آن نیازمند می باشد و در این زمینه هیچ چیز را فروگذار نکرده است.

4- از آنجا که هرگونه تحریف در قرآن که منجر به تغییر محتوای آن گردد به اعجاز قرآن خلل وارد میکند و آن را از حد اعجاز ساقط می سازد می توان نتیجه گرفت که چون، قرآن

ص: 49

کنونی در حد اعجاز است پس هرگز چنین تحریفی در قرآن رخ نداده و رخ نخواهد داد. بعلاوه مصونیت قرآن را خداوند متعال خود ضمانت نموده است و صریحاً از نگهبانی خویش نسبت به قرآن سخن گفته است.

5- قرآن کریم یکی از معجزات بزرگ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد که در عین حال متن دعوت آن پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نیز می باشد. قرآن مجید در آیات متعدد صریحاً، از آیه بودن خویش و جنبه ی خدایی و آسمانی خود گفته است و از همه انسانها خواسته است که اگر در این امر شکی دارند با کمک و استمداد از همه ی نیروها بجز خدا یک سوره همانند سوره های قرآن را بیاورند و عجز و ناتوانی آنان را دلیل معجزه بودن قرآن قرار داده است.

خود را بیازماییم :

- 1- بهم آمیختگی مطالب قرآن به چه معنی است و راز آن چیست؟
- 2- یک نمونه از ضمیمه کردن یک آیه به آیه دیگر و بدست آوردن نتیجهی جدید را ذکر نمائید .
- 3- جامعیت قرآن به چه معنی است؟ چرا؟
- 4- به چه دلیل قرآن از تحریف مصون مانده و خواهد ماند؟
- 5- آیا پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله

علیه و آله غیر از قرآن معجزه ی دیگری هم داشته است؟

6- چرا طبق برخی از آیات قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله از آوردن معجزه ای غیر از قرآن خودداری می نمود؟

ص: 51

درس چهارم : ابعاد اعجاز قرآن 1

فصاحت و بلاغت یا بعد هنری قرآن

(فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ) (1) / 34 / طور

قرآن مجید آهنگی زیباتر از هر شعر و بیانی رساتر از هر نثر دارد. الفاظ بگونه ای انتخاب شده‌اند و آنچه‌ان بکار رفته‌اند که هر انسانی را تحت تاثیر قرار میدهد بقول استاد شهید آیت الله مطهری رحمه الله علیه: هندسه الفاظ در قرآن بی نظیر است نه کسی میتواند یک کلمه از قرآن را پس و پیش کند بدون آنکه به زیبایی های آن لطمه وارد سازد و نه آنکه کسی توانسته مانند آن را بسازد. (2)

فصاحت به معنای شیوایی و بلاغت بمعنی رسائی است (3)

ص: 53

1- پس گفتاری همانند قرآن بیاورند اگر (در اینکه میگویند قرآن از سوی خدا نیست) راستگو هستند.

2- وحی و نبوت استاد شهید آیت الله مطهری رحمه الله علیه ص 107.

3- دانشمندان و بزرگان علم «معانی بیان» برای فصاحت و بلاغت گفتار شرائطی ذکر کرده‌اند که بعلمت فنی بودن و بمنظور اختصار از یادآوری آنها خوداری میشود.

و جذابیت و دلربایی قرآن نیز امری دیگر در کنار این دو می باشد. عربهای معاصر قرآن که دارای ذوق طبیعی و قریحه ی دست نخورده ی عربی بودند بی اختیار شیفته ی آن وحی شدند و بطور کلی در طول تاریخ اسلام حتی دشمنان نیز زبان به ستایش آن گشوده و هر یک بصورتی از فصاحت و بلاغت فوق العاده ی قرآن سخن گفته اند و به عجز و ناتوانی خود و دیگران اقرار کرده اند.

چند نمونه ی تاریخی

1- ولید بزرگترین ادیب و حکیم عرب که از دشمنان اسلام و قرآن است پس از شنیدن آیاتی چند می گوید: بخدا سوگند از محمد (صلی الله علیه وآله) سخنی شنیدم که هرگز شبیه سخن انس و جن نبود شاخسارش پر ثمر و ریشه اش پر برکت، بر هر سخنی برتری مییابد و هیچ سخنی از آن برتر نخواهد گشت. (1)

2- ابوسفیان، ابوجهل و اخنس بن شریق از سران مخالفین اسلام یک شب از خانه های خود بیرون آمدند تا بصوت دلنشین قرآن که توسط پیامبر صلی الله علیه وآله در خانه اش در

ص: 54

1- وَاللَّهِ لَقَدْ سَمِعْتُ مِنْ مُحَمَّدٍ كَلِمًا مَا هُوَ مِنْ كَلَامِ الْإِنْسِ وَلَا مِنْ كَلَامِ الْجِنِّ وَإِنَّ لَهُ لِحَلَاوَةً وَإِنَّ عَلَيْهِ لَطَلَاوَةً وَإِنَّ أَعْلَاهُ لَمُنْمِرٌ وَإِنَّ أَسْفَلَهُ لَمُعْدِقٌ وَإِنَّهُ لَيَعْلُوا وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ. تفسير مجمع البيان ج 5 (جزء دهم) صفحه 387.

هر سه آمدند و هر یک در گوشه ای پنهان شده به آیات قرآن گوش دادند. شب را بدون اطلاع از وضع یکدیگر با شنیدن قرآن سپری کردند و سپیده دم بسوی خانه های خویش رهسپار شدند. اتفاقاً در راه بهم رسیدند و هر یک بدیگری اعتراض کرده و به سرزنش یکدیگر پرداختند و سپس گفتند مبادا دگر بار بچنین عملی دست یازید زیرا اگر افراد ساده لوح از این امر آگاه شوند در پای بندی به خرافاتی که به آنان تلقین کرده ایم تردید خواهند کرد. پس از این گفتگو از یکدیگر جدا شدند. شب دوم فرا رسید، هر یک در این شب نیز علیرغم آن اعتراض و سرزنش قبلی بار دیگر در جایگاه شب پیش حاضر شدند و تا صبح به صوت دلنشین قرآن، گوش دادند. هنگام بازگشت به منزل در راه یکدیگر را دیدند و همان سخنان روز گذشته را تکرار کردند و متفرق شدند.

در شب سوم نیز گویا جاذبه ای درونی آنها را بسوی خانه پیامبر صلی الله علیه و آله کشاند و باز در همان مکان شبهای گذشته تا صبح به شنیدن آیات قرآن مشغول شدند. این بار نیز هنگام بازگشت در راه یکدیگر را ملاقات کردند و بیکدیگر گفتند: برای پیشگیری از حوادث ناگوار و امکان گرویدن دیگران به اسلام باید با هم پیمان ببندیم که برای همیشه این کار را ترک کنیم و چنین کردند. (1)

3- هشام بن حکم که از یاران دانشمند و باوفای امام

ص: 55

صادق علیه السلام است میگوید: ابن ابی العوجاء، ابو شاکر دیصانی، عبدالملک مصری و ابن مقفع در مسجد الحرام گرد آمده زائران خانه خدا را مسخره میکردند و قرآن را بیاد انتقاد گرفته بودند. ابن ابی العوجاء گفت:

بیاید هر یک از ما در طی یکسال همانند یک چهارم قرآن را بنویسیم سپس در اینجا گردآئیم و با این عمل، قرآن را شکست دهیم. چون شکست قرآن معنایش ابطال پیامبری محمد، و باطل شدن پیامبری او مساوی با از بین رفتن اسلام و اثبات معتقدات ما است.

همه بر این امر اتفاق کرده و از یکدیگر جدا شدند سال آینده فرارسید. این چهار نفر در کنار مسجد الحرام گرد آمدند و هر یک نتیجه‌ی تلاشهای فکری خویش را بازگو کرد. ابن ابی العوجاء: گفت من از وقتی که از شما جدا گشتم در این آیه فکر کرده ام (فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا... 80 / يوسف). من نمیتوانم در فصاحت و جامعیت آن همتایی بیاورم. اندیشه و فکر در این آیه مرا بخود مشغول ساخته و از پرداختن به آیات دیگر بازداشت. عبدالملک گفت: من از هنگام

ص: 56

مفارقت در این آیه اندیشیدم.... (ضَرْبٌ مِّثْلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ). 73/ حج (1) من نتوانستم همانندش را بیاورم .

ابو شاکر چنین اظهار داشت من هم که از آن موقع تاکنون در آیه (لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا) (2) 24/ انبیاء فکر کرده ام همانند این آیه را نتوانستم بیاورم. ابن مقفع گفت: مردم این قرآن از سنخ گفتار بشر نیست. من از آن زمان که شما را ترک گفتم در این آیه:

(وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي وَغِيضَ الْمَا وَفُضِي الْأَمْرُ وَاسَّ تَوْتُ عَلَى الْجُودَى وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) 44/ هود (3) فکر کرده ام و تاکنون هم بخوبی به عمق

ص: 57

- 1- ای مردم مثلی زده شده پس به آن گوش فرا دهید آنان را که به جز الله و در برابر خدا میخوانید هرگز مگسی نیافرینند هر چند با یکدیگر همکاری کنند و بیاری یکدیگر شتابند. و اگر مگس از آنان چیزی بر باید بر باز گرفتنش قدرت ندارند طالب و مطلوب هر دو ناتوانند.
- 2- اگر در آسمانها و زمین (در جهان هستی) به جز الله معبودهای دیگری می بود هر آینه جهان فاسد و تباہ میگشت پس خداوندگار عرش از آنچه مشرکان جاهل درباره اش میگویند پاک و منزّه است.
- 3- و فرمان داده شد ای زمین آب خود را فرو ببر و ای آسمان بس کن و بازدار (باران را) و آب فرو نشست و دستور و حکم خدا بانجام رسید و کشتی بر «کوه جودی» قرار گرفت و فرمان هلاک و دوری از رحمت خدا برای ستمگران در رسید.

آن پی نبرده ام و همانندش را نمیتوانم بیاورم. (1)

اینها چند نمونه از دهها مواردی است که ادب شناسان موافق و مخالف و مسلمان و غیر مسلمان درباره قرآن و بعد هنری آن زبان به ستایش گشوده و از فصاحت و بلاغت و جذابیت قرآن سخن گفته اند و بهمین جهت بود که مخالفین برای جلوگیری از جذب افراد به قرآن و شیفته شدنشان پیشنهاد کردند که (لا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ).

قرآن چگونه مردم را به «قرینه سازی» برمی انگیزد؟

قرآن مجید از همان آغاز اعلام داشت که اگر در انتساب این کتاب به خداوند شک و تردیدی دارید همانند این کتاب و یا یک یا چند سوره از آن را بیاورید و در این راه از هر نیرویی یاری خواهید. قرآن هنگامی این سخن را گفت که نوشتارها و اشعار با فصاحت و بلاغت یکی از بزرگترین افتخارات بشمار می آمد و روشن است که یک چنین سخنی تا چه اندازه افراد را در این زمینه (آوردن همانند قرآن) به تلاش وادار می دارد. ولی قرآن به این اکتفا نکرد و از هر وسیله ای برای تحریک سخنوران به همانند آوری، استفاده نمود. از یک سو با قاطعیت تمام اعلام نمود که هرگز همانند قرآن یا سوره ای از آن را نمی توانید بیاورید. و از سوی دیگر همانند خواهی و مبارز طلبی خویش را با سعادت و شقاوت ابدی پیوند داد و چنین اعلام داشت، که اگر قوانین و معارف این

ص: 58

کتاب را بپذیرید و بدان عمل کنید به سعادت جاودان نائل خواهید گشت و اگر آن را انکار کنید بدون آنکه همانندش را آورید به بدبختی و عذاب ابد گرفتار خواهید شد و به این ترتیب هم از نظر عقل و بیش و هم در بعد میل و گرایش انسان را اشباع کرد و انگیزه ی پیگیری و کشف این راز (آیا قرآن معجزه است) را در او آفرید. (1)

بدنبال این اعلام همانطور که تاریخ گواهی میدهد کم نبودند کسانی که در صدد مبارزه با قرآن برآمدند و بیشترین توان خویش را در راه آوردن کتابی مانند قرآن یا سوره ای چون، سوره های آن بکار گرفتند و با نهایت تلاش و کوشش این موضوع را دنبال کردند ولی بشهادت تاریخ از آنهمه تلاش و کوشش جز شکست و یأس و رسوائی طرفی نیستند.

برای آنکه به قابل مقایسه بودن ساخته های فکر بشری با آیات الهی پی بریم و از عظمت قرآن در بعد هنری (فصاحت، بلاغت و جذابیت) آگاه شویم به آنچه در ذیل می آید توجه کنید:

یکی از مسائل حیاتی در زندگی بشر حل مشکل اجتماعی قتل ها و جنایت ها است. ملل مختلف و مکتب های گوناگون راه حل های متفاوتی ارائه داده اند.

قرآن نیز از آنجا که یک کتاب هدایت و سازندگی است

ص: 59

باین مسئله توجه عمیق داشته و برای جلوگیری از این فاجعه چاره اندیشی کرده است. قرآن علاوه بر راههایی که برای پیشگیری از این جنایت بیان نموده با جعل قانون قصاص بهترین و قاطعترین درمان این بیماری مهلک را ارائه داده است. این موضوع در آیات متعددی مطرح شده است منجمله در، سوره بقره آیه 176 (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ). (1)

جمله ی *فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ* از روح این حکم اسلامی و فلسفه آن سخن میگوید و در عین آنکه مشروعیت این حکم را نیز بیان می دارد.

ادباء، دانشمندان عرب پیش از نزول قرآن با نهایت دقت و جدیت تلاش کردند تا جمله ای کوتاه ولی پر محتوی و رسا در این زمینه بیاورند و عبارتی شعار گونه که از فواید کیفر دادن مجرمین حکایت کند ارائه دهند جملات و قطعات و عبارات فراوان ساخته شد تا سرانجام جمله (أَلْقَتُلُ أَنْفِي لِلْقَتْلِ) (2) را بعنوان بهترین جمله ای که میتواند این مفهوم را رساند پذیرفتند و بعنوان شاهکارهای افتخار آفرین انتخاب کردند ولی با نزول قرآن مجید و آمدن جمله (فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ) تمام شگفتیها و

ص: 60

-
- 1- و برای شما در قصاص (کیفر عادلانه و بحق) زندگی و حیاتی بس بزرگ نهفته است ای، خردمندان تا مگر تقوی پیشه گیرید.
 - 2- کشتار بیشتر و بهتر از کشتار جلوگیری نموده و آن را نفی میکند.

زیبایی های جمله مذکور محو گشت و در برابر این عبارت قرآنی رنگ باخت. (1)

ما اکنون به بررسی و مقایسه این دو جمله می نشینیم تا فصاحت و بلاغت قرآن را تا حدودی لمس کنیم. انتخاب این جمله از بین آیات قرآن بخاطر فرصت اندک و کوتاه بحث و هم به خاطر روشن بودن امتیازات این جمله است بطوریکه برای هر کس قابل درک میباشد. و تنها، تذکری درباره ی آن کافی است و نیز بدانجهت است که بالاترین و بیشترین تلاش دربارهی قرینه سازی آن قبل و بعد از اسلام بوسیله ی هنرمندان عرب انجام گرفته و گرنه دیگر آیات قرآن نیز از همین امتیازات برخوردار هستند.

مقایسه :

1- کم بودن حروف:

في القِصَاصِ حَيَوةٌ

در نوشتن 12 حرف

در تلفظ 10 حرف

الْقَتْلُ اَتْقى لِلْقَتْلِ

در نوشتن 14 حرف

در تلفظ 14 حرف

2- بیان صریح فلسفه قصاص (حیات و زندگی).

3- «آوردن حکم» حیاة بصورت نکره که دلالت بر عظمت و نوع خاص حیات دارد.

ص: 61

1- تفسیر شریف «المیزان» ج 1 و تفسیر المنارج 2 ذیل آیه مذکور.

نوع خاص :

کمی : زندگی برای انسانهای بیشتر .

کیفی : الف - زندگی با شرافت ب - زندگی در کمال آرامش ج - زندگی در سایه ی قانون عادلانه .

4- قصاص، همواره ملازم با زندگی است: (ویژگی خاص واژه قصاص که اختصاصاً در مورد کیفر عادلانه و بحق در مورد مجرمین بکار میرود. در حالیکه قتل اعم از آن است و در برگیرنده قتل عادلانه و بحق و غیر عادلانه و بناحق می باشد).

5- جمع بین متضادین (مرگ و زندگی) شده است (فن مطابقت) .

6- یکی از دو ضد طرف ضد دیگر قرار گرفته است که حکایت از آن دارد که مرگ نگهدارنده و حافظ و تضمین کننده ی حیات است و زندگی از درون قصاص می جوشد.

7- قصاص شامل انواع مختلفی از کیفرها (کیفر در حد قتل، قطع عضو از کار انداختن عضو و...) می شود ولی جمله دیگر تنها کیفر در حد قتل را شامل میشود .

8- تلفظ جمله قرآنی، سلیس و روان است ولی در جمله دوم بین لام «الْقَتْلُ» و همزة «آنی» شبه سکتی ای وجود دارد.

9- از زندگی که مطلوب است صریحاً نام برده شده (مرگ و کشتن که نامطلوب است و آیه در صدد جلوگیری از آن میباشد ذکر نشده است) ولی در جمله ی دوم دو بار از کشتن و

ص: 62

مرگ سخن بمیان آمده است و از حیات خیری نیست.

10- در جمله ی اول چیزی حذف نشده است ولی در جمله ی دوم عبارت «مِنْ تَرَكِه» (1) حذف گردیده است. (زیرا کلمه ی «آنفی») صفت تفضیلی است)

11- جمله ی اول ملازم با هیچ مفهوم نادرست و نامطلوبی نیست ولی جمله دوم که میگوید: کشتن بهتر و بیشتر از قتل و کشتار جلوگیری میکند تا ترک آن مفهومش این است که ترک کیفر و رها کردن قاتل نیز از قتل جلوگیری میکند (هر چند بمقیاس کمتر).

12- در جمله قرآنی هیچ تکرار وجود ندارد ولی در جمله دیگر کلمه ی «قتل» تکرار شده است و در صورتیکه آوردن این کلمه حتی یک بار هم ضرورتی ندارد.

13 - جمله «فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ» مشتمل بر علم و انگیزه بوده و سیراب کننده ی بعد بینش و گرایش انسان است. ولی جمله دوم چنین نیست.

توضیح: بهترین روش برای پیاده شدن یک قانون آنست که هر فرد در برابر آن احساس مسئولیت نموده و خود مجری قانون گردد. احساس مسئولیت افراد نیز در گرو آگاهی وجود انگیزه

ص: 63

1- از آنجا که کلمه «آنفی» یک صفت تفضیلی است نیاز به متمم دارد و «مِنْ تَرَكِه» در واقع متمم آن بوده که حذف شده است و مفاد جمله یاد شده در اصل چنین است کشتار بهتر و بیشتر از ترک کشتار از خونریزی و قتل جلوگیری می نماید.

در هر فرد می باشد و بنابراین برای آنکه قانونی بمورد اجرا درآید در افراد آگاهی و همچنین انگیزه برای عمل به آن حکم و دستور پدید آید و در دو بعد بینش و گرایش اقناع و اشباع گردد و جمله اول دارای چنین ویژگی است هم اندیشه انسانرا سیراب میکند و هم گرایشهای او را بسوی اجرای این حکم جهت میدهد و تشدید مینماید. زیرا از یکسو بکار بردن کلمه «قصاص» کیفر عادلانه را مطرح میسازد که هر عقلی به آن حکم میکند و نیز هدف از آن را امری معقول قرار داده است و با بیان فلسفه این قانون عمل باین حکم را امری حکیمانه میسازد و به این ترتیب عقل (بعد بینش در انسان) را کاملاً قانع و متقاعد می کند. از سوی دیگر بیم و امید را که انگیزه ی هر انسان برای عمل است - مطرح کرده است باینصورت که با یک کلمه «قصاص» مسئله ی کیفر و سرانجام ناگوار هرگونه جنایت و تجاوز به حریم دیگران را بیان میکند و باین وسیله مرحله بیم را تحقق می بخشد و با بکار بردن کلمه ی حیات امید به زندگی در سایه ی آرامش، شرافت و عدالت را نوید میدهد و شمع امید را در قلبها بر می فروزد.

14- جمله قرآنی در ضمن در برداشتن این ویژگی های فوق به انسان یک بیش صحیح و منطقی میدهد که نباید قصاص بخاطر انتقام و خاموش ساختن التهاب درونی انجام گیرد بلکه در راه یک زندگی صحیح و عادلانه، شرافتمندانه و آرامش بخش باید اجرا گردد.

علاوه بر آنچه گذشت امتیازات دیگر نیز وجود دارد که

به منظور اختصار از ذکر آنها خودداری میشود.

اکنون با توجه به مطالب گذشته بخوبی امتیازات قرآن و بیانات این کتاب آسمانی را بر دستاوردهای افکار و اندیشه های بشری و اعجاز قرآن در بعد هنری را لمس می کنیم و می یابیم در آینده نیز «هر چند همه انسانها دست بدست داده و بکمک یکدیگر بشتابند و آنچه را در توان دارند بکار گیرند هرگز نخواهند توانست همانند این کتاب و سوره هایش گفتار یا نوشتاری بیاورند

(قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا). (1)

«خلاصه ی درس»

1- قرآن مجید در ابعاد مختلف معجزه است که یکی از آنها اعجاز هنری و فصاحت و بلاغت قرآن است. قرآن از همان آغاز ظهورش حتی دشمنان را مجذوب خویش ساخت و آنان را به ستایش خود وا داشت و از آن زمان تاکنون هیچکس نتوانسته است همانند سوره ای چون سوره قرآن را بیاورد بلکه بزرگان فصاحت و بلاغت بعجز و ناتوانی خود اقرار کرده اند.

ص: 65

1- 88 / بنی اسرائیل (ای پیامبر صلی الله علیه و آله) بگو اگر انس و جن گرد آیند تا همانند این قرآن کتابی بیاورند نخواهند توانست هر چند هر یک پشتیبان و مددکار یکدیگر باشند.

2- فصاحت بمعنای شیوایی و بلاغت رسائی است و جذابیت قرآن امری دیگر در کنار این دو می باشد و این سه قرآن را در بعد هنری تا آنجا، اوج میدهند که نمی توان همانند آن را آورد هر چند کلیه ی نیروهای غیر الهی در این زمینه بکار گرفته شود.

3- قرآن مجید قرینه خواهی (وتحدی) خویش را متوجه تمام انسان ها میسازد و آنان را در استمداد از هر نیرویی آزاد گذارده است. و در عین حال از تمام عوامل برای تحریک سخن سازان و ادیبان همانند آوری، استفاده نموده است و با آنکه افراد فراوانی در این زمینه تلاش کردند جز یأس و شکست و اظهار عجز نتیجه ای نگرفتند.

4- برای پی بردن به اعجاز قرآن در بعد هنری کافی است که به جمله قرآنی (فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ) و جمله قرینه آن از سوی ادیبان عرب (الْقَتْلُ أَنْفَى لِلْقَتْلِ) توجه کنیم تا به آسانی امتیازات فراوان جمله قرآنی را بر جمله انسان ساخته ی (الْقَتْلُ أَنْفَى لِلْقَتْلِ) درک کرده و به عظمت قرآن در بعد هنری واقف گردیم .

خود را بیازماییم :

1- ولید که بود و درباره ی قرآن چه گفت؟

2- داستان ابوجهل، ابوسفیان و اخنس بن شریق بر چه دلالت دارد؟

3- جریان تهیه کتابی همانند قرآن بوسیله ابن ابی العوجاء و... را بطور خلاصه بیان فرمایید.

4- آیه (وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ) 44... هود از چه امتیازات هنری ای برخوردار است؟

5- فصاحت و بلاغت به چه معنی است؟

6- قرآن چگونه انسانها را به همانند آوری قرآن دعوت و تحریک میکند؟ شرح دهید.

7- برخی از امتیازات جمله (فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ) را یادآور شوید.

ص: 67

اشاره

(وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا)

84 / نساء

هماهنگی قرآن در اسلوب و شیوه ی سخن، در مضمون و محتوی و در اهداف و جهت گیریها بسیار اعجاب انگیز است. از یکسوروش بیان قرآن و اسلوب یکنواخت آن محکوم شرائط خاص برونی و درونی پیامبر صلی الله علیه و آله و ویژگیهای موضوعات مورد بحث قرآن قرار نمی گیرد و از سوی دیگر معارف و حقایق قرآن از بند محدودیت، تکامل تدریجی، خطاپذیری و تأثیر پذیری انسان رها بوده است. قرآن مجید با آنکه در طی چندین سال و در شرائط بسیار گوناگون و گاه متضاد نازل شده و در ابعاد مختلف معارف انسانی وارد گشته است هماهنگی کامل در محتوای آن حکمفرماست و هیچگونه اختلاف و ناهماهنگی در آن مشاهده نمی شود. قرآن مجید صریحاً اعلام داشته است:

(أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) 84 / نساء .

ص: 69

آیا در قرآن با تامل و فکر نمی نگرند که اگر از سوی غیر خدا می بود در آن ناهماهنگی بسیار می یافتند.

قرآن مجید در این آیه بین دو چیز ملازمه می بیند: از جانب بشر بودن قرآن و وجود ناهماهنگی بسیار در آن و معتقد است که اگر قرآن از سوی خدا نمی بود، بدون شک در آن ناهماهنگی های بسیار زیاد مشاهده می گردید.

برای آنکه باین ملازمه پی ببریم و در یابیم که چرا بشر نمی تواند در آوردن چنین کتابی از ناهماهنگی در اسلوب و روش بیان و در محتوی مصون بماند به بررسی ویژگی های انسان و قرآن می پردازیم.

الف - تکامل تدریجی انسان

انسان در آغاز تولد از هیچگونه کمال اکتسابی از جمله علم و آگاهی برخوردار نیست. (1)

و همانطور که به تدریج به کمالاتی دست می یابد، از نظر علمی نیز محکوم تکامل تدریجی است و هر روز که بر انسان میگذرد بر آگاهی او نیز افزوده می گردد و گذشت زمان در روحيات و افکار او تاثیر بسزایی دارد بهمین جهت است که نویسندگان و شعراء در فرصت های مناسب در نوشته ها و اشعار

ص: 70

1- (وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا) 78/ نحل . و خداوند شما را در حالیکه هیچ نمیدانستید از شکم های مادرانتان خارج ساخت.

قبلی خویش تجدید نظر میکنند و احياناً اشعار و نوشته های پیشین خویش را غیر قابل انتشار تشخیص میدهند. این تکامل تدریجی اقتضا میکند که در نوشته ها و گفته های یک نویسنده یا گوینده در طول زمان هم از جنبه ادبی و هم از نظر مطالب نا هماهنگی آشکاری پدید آید.

ب - خطا پذیری و تاثیر پذیری انسان

همه می دانیم که انسان از یکسو خطا پذیر است و به مرور زمان به اشتباهات خویش پی میبرد و از سوی دیگر حالات درونی و شرائط برونی در قوای فکری و مشاعر او تاثیر می گذارد. پی بردن به اشتباهات موجب می گردد که انسان برخلاف عقیده و گفته قبلی خویش نظر دهد و احياناً چون سخنی را برخلاف فطرت خویش گفته است ناخود آگاه و بدون توجه مطلبی متناقض با آن را در زمان دیگر بیان نماید و در نتیجه یک نوع ناهماهنگی بین گفتار پیشین و اظهار نظر بعدی پدید می آید. حالات درونی و احوال خارجی نظیر شرائط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و حتی جغرافیائی نیز ایجاب میکنند که انسان در هر شرایطی متناسب با شرائط خارجی و تأثیری که بر روحيات انسان نهاده سخن بگوید آنگاه که شرائط خارجی روحیه حماسی در او می آفریند، جز حماسه و دلیری و خشونت و پیکار چیز دیگری را نمیتواند بخوبی بیان کند. آسایش و آرامش تنگدستی و فقر، پیری و جوانی و صحت و بیماری هر یک حالتی

مناسب با خویش در انسان می‌آفریند و اینها همه در نحوه سخن گفتن انسان و در انتخاب مطالب و در استدلال و نتیجه‌گیری موثر واقع می‌شود.

افکاری که به هنگام فراغت از عقل و دل تراوش میکنند بگونه‌ای است که با آنچه در موقع گرفتاری بر لوح ذهن نقش می‌بندد کاملاً متفاوت است. پس خطاپذیری و تاثیر پذیری هم دو عامل برای پیدایش اختلاف و ناهماهنگی در اسلوب و محتوی است.

ج - محدودیت

انسان موجودی است که از نظر علم و آگاهی، استعداد و آمادگی، نبوغ و قدرت ابتکار و ... همیشه دچار انواع محدودیت‌ها است هیچ انسانی را نخواهید یافت که از تمام حقایق جهان آگاه باشد. هیچکس نیست که در تمام زمینه‌ها استعداد و آمادگی کامل داشته باشد. هیچ فردی نبوده است که در هر بعدی نبوغ داشته باشد تا انسان انسان است چنین خواهد بود و تا از سوی دیگر کمک نشود نمی‌تواند در همه‌ی زمینه‌ها فوق‌العاده باشد. اگر در هر یک از رشته‌های مختلف علوم دقت کنیم حتی یک نفر هم نخواهید یافت که در تمام رشته‌های آن علم به بالاترین مرتبه ارتقاء یافته باشد بلکه در یک زمینه اوج گرفته و در سایر زمینه‌ها در مراتب بعد قرار دارد. این قانون کلی در بعد هنر نیز حکمفرماست و فن‌شاعری، سخنوری و نویسندگی

ص: 72

و... را نیز در بر می گیرد .

از سوی دیگر هر موضوعی قلم و انشاء ویژه ای دارد. از قلم روزنامه نگاری نمیتوان در زمینه بیانات فلسفی کمک گرفت. انشاء حماسی به هنگام وقایع نگاری بکار نمی آید معماگویی به گونه بی است و خطابه بگونه ای دیگر و این هر دو غیر از مدح و ستایش و این هر سه با توصیف طبیعت متفاوت است. هر کدام بیان خاص خود و انشاء ویژه خویش و اسلوب مخصوص بخود را دارد .

این است که می بینیم که برخی از شعراء در غزل سرایی استادند، عده ای در توصیف طبیعت ماهرند، بعضی در حماسه چیره دستاند و گروهی در موعظه و پندگویی سبقت را از حریفان ربوده اند ولی هر یک از این گروه ها در زمینه ی دیگر عاجز و ناتوان یا فاقد زبردستی و مهارت اند.

مثلاً حافظ در غزل عرفانی بسیار عالی شعر می سراید.

مزرع سبز فلک دیدم وداس مه نو *** یادم از کشته خویش آمد وهنگام درو

و یا:

بروز واقعه تابوت ما زسر و کنید *** که میرویم بداغ بلند بالائی

فردوسی در حماسه سرایی گوی سبقت ربوده است.

که گفتت برو دست رستم ببند *** نبندد مرا دست چرخ بلند

سعدی در پند و موعظه اوج می گیرد.

ص: 73

هردم از عمر می رود نفسی *** چون نگه میکنی نمانده بسی

برگ عیشی بگور خویش فرست *** کس نیارد ز پس تو پیش فرست

و یا مولوی در تمثیل عرفانی چیره دست است.

بشنو از نی چون حکایت می کند *** وز جدایی ها شکایت می کند

از نیستان تا مرا بریده اند *** از نفیرم مرد و زن نالیده اند

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق *** تا که گویم شرح درد اشتیاق

از همین چند نمونه اشعار شاعران حکیم و زبردست فارسی زبان بخوبی میتوان فهمید که هر شاعر در یک بعد و در یک میدان ترکتازی کرده و بر دیگران توفیق یافته است و به، همین جهت مقایسه هیچیک با دیگری صحیح نیست و نمی توان گفت حافظ برتر از فردوسی یا سعدی بهتر از مولوی می سراید و هم از این رو است که هنگامی که از امیرالمومنین علی علیه السلام می پرسند بهترین و بالاترین شاعر عرب کیست؟ می فرماید:

(إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يَجْرُ وَا فِى حَلْبَةِ تُعْرَفُ الْعَايَةُ عِنْدَ فَصَبَّتْهَا فَإِنْ كَانَ وَلَا بُدَّ فَالْمَلِكُ الصَّلِيلُ). (1)

ص: 74

همانا این شاعران در یک میدان اسب نتاخته اند تا معلوم شود کدامیک گوی سبقت ر بوده‌اند اگر بناچار باید اظهار نظری کرد پادشاه تبه کار (امرء القیس که ملک الشعراء عرب بود) بر دیگران مقدم است.

محدودیت انسان از سوی دیگر نیز موجب میشود که نتواند در یک لحظه به تمام ابعاد یک موضوع توجه داشته باشد. مثلاً هنگامیکه یک موضوع را از دیدگاه اخلاقی بررسی میکند به تمام آنچه در بعد فلسفی آن مطرح است توجه کامل ندارد و یا هنگامی که یک مسئله را از نظر تاریخی به بحث می‌گیرد زوایای ابعاد سیاسی، اقتصادی، هنری و اخلاقی آن را در نظر نمی‌گیرد و غالباً از آن غافل می‌ماند (1) و این نیز موجب پیدایش اختلاف، ناهماهنگی و احیاناً تناقض بین مطالب ارائه شده در ابعاد گوناگون می‌گردد.

از آنچه گذشت به این نتیجه می‌رسیم که :

الف - محدودیت، تکامل تدریجی خطاپذیری و تاثیر پذیری انسان از عواملی است که غیر قابل انفکاک از انسان است.

ب - این عوامل موجب میشود که هیچ انسانی قادر

ص: 75

1- انسان در یک لحظه نمی‌تواند به دو موضوع کاملاً مستقل، جداگانه توجه کند زیرا یک نفس و به تعبیر قرآن یک قلب بیشتر ندارد و (مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ) خداوند در درون هیچکس دو قلب قرار نداده است. (4/ احزاب).

نباشد که کتابی با ویژگی های زیر تالیف نماید.

1- نویسنده آن را در شرائط کاملاً گوناگون درونی و برونی نگاشته باشد.

2- کتاب موضوعات کاملاً متفاوت مانند تاریخ، اقتصاد، حقوق، معارف عقلی و تربیت و سازندگی را در برداشته باشد.

3- تمام قسمتهای کتاب دارای یک اسلوب و روش بیان آنهم در حد اعلای فصاحت و بلاغت باشد.

4- محتوای کتاب در تمام زمینه ها کاملاً هماهنگ باشد و هیچگونه اختلافی در آن یافت نشود.

حال با تدبر و دقت در قرآن مجید به این نکته پی خواهیم برد که این کتاب بزرگ دارای، تمام این ویژگیها است. قرآن مجید را در طی 23 سال در شرائط ناهمگون خارجی و حالات کاملاً متفاوت روحی، پیامبر صلی الله علیه وآله بر مردم تلاوت فرموده است.

از سوی دیگر قرآن مجید در موضوعات گوناگون مانند تاریخ، اقتصاد، حقوق، نظام اخلاقی، اصول عقائد و معارف الهی، آفرینش انسان، تعلیم و تربیت و... وارد شده و از همه این موضوعات سخن گفته است. (1)

در عین حال تمام قسمت های مختلف قرآن دارای یک

ص: 76

1- در درس های آینده فهرستی از موضوعات متنوعی که قرآن به آنها پرداخته است ارائه خواهد شد.

اسلوب و روش بیان آنها در حد اعلای فصاحت و بلاغت می باشد. (اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَاباً مُتَشَابِهاً مَثَانِي تَنْشَعِرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَحْسُونَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ) (1)

و نیز معارف و حقایقی را که در هر زمینه ارائه داده است با مسائلی که در دیگر زمینه ها مطرح ساخته از نظر محتوی کاملاً هماهنگ است. علاوه بر اینها آورنده قرآن شخصی امی و درس نخوانده است و در محیطی ظهور نموده که از تمدن و فرهنگ بسی دور بوده تا آنجا که در تمام قریش فقط 17 نفر باسواد وجود داشته است. (2)

بدون شک این ویژگی ها تنها نتیجه ای را که به هر انسان عاقل و منصفی ارائه می دهد، این است که این کتاب بدون تردید از سوی خدا است و اگر از سوی غیر خدا می بود در آن، ناهماهنگی بسیار می یافتند. (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافاً كَثِيراً). (84/ نساء).

ص: 77

-
- 1- 23/ زمر خداوند بهترین گفتار را بصورت کتابی هماهنگ و با آیاتی همگون و روشنگر یکدیگر فرو فرستاد که از شنیدن آن موی بر بدن آنان که از عظمت حق بیمناک اند، راست، میشود سپس پوست ها و دلهایشان بیاد خدا آرام می گردد.
 - 2- پیامبر امی «استاد شهید آیت اله مطهری رحمة اله علیه» صفحه 14 و تاریخ تمدن ویل دورانت ج 11 ص 14 .

3- اعجاز قرآن از نظر آورنده ی آن

پیامبر درس نخوانده .

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت *** به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

تاریخ آشکارا گواهی میدهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله نزد کسی درس نخوانده و نوشتن نیاموخته است. این سخنی است که تمام تاریخ نویسان شرق و غرب آن را پذیرفته اند حتی یک نفر از مورخین را نمیتوان یافت که مدعی شده باشد که پیامبر صلی الله علیه وآله در دوران زندگی نزد کسی خواندن یا نوشتن را فرا گرفته باشد و نیز هیچکسی ادعا نکرده که پیامبر صلی الله علیه وآله پیش از رسالتش یک سطر خوانده یا نوشته باشد.

کارلایل (1) می گوید: یک چیز را نباید فراموش کرد و آن اینکه محمد هیچ درسی از هیچ استادی نیاموخته بود. بعقیده من حقیقت این است که محمد با خط و خواندن آشنا نبود.

ویل دورانت در تاریخ تمدن (2) چنین نوشته است:

ظاهراً هیچکس در این فکر نبود که وی (رسول اکرم صلی الله علیه وآله) را نوشتن و خواندن آموزد.

جان دیون پورت گفته است :

ص: 78

1- (Carlyl)

2- تاریخ تمدن ویل دورانت ترجمه ابوالقاسم پاینده ج 11 ص 14.

آنطوری که در جهان معمول است همه معتقدند که محمد (صلی الله علیه وآله) تحصیل نکرده و جز آنچه در میان قبیله اش رائج بوده چیزی نیاموخته است. (1)

هنری دو کاستری در کتاب «اسلام، افکار و اندیشه ها» صفحه 27 می گوید :

بدون شبهه محال است مردی در مشرق زمین تحصیل علم کند و مردم مطلع نشوند زیرا تمام ترتیبات زندگی شرقی ها علنی و آشکار است. بعلاوه خواندن و نوشتن در آن عصر در آن اقطار وجود نداشت و در مکه بجز یک مرد کسی خواندن و نوشتن نمی دانست .

مستشرقین و مورخین مسلمان و غیر مسلمان دیگر نیز هر یک بگونه ای این موضوع را بیان کرده اند. در زمان نزول قرآن نیز هیچکس پیامبر صلی الله علیه وآله را شخصی آشنا با خواندن و نوشتن معرفی نکرده است بلکه صریحاً خلاف آنرا اعلام داشته اند.

(وقالوا أساطيرُ الأولینَ اکتتبها فہی تُملی علیہ بکرۃً و اصیلاً). (5/فرقان).

و گفتند (آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید) افسانه های پیشینیان است که به درخواست او نوشته شده پس هر صبح و شام برایش خوانده می شود. قرآن خود نیز در موارد مختلف درس ناخوانده بودن پیامبر صلی الله علیه و آله را مطرح ساخته و آن

ص: 79

1- پیامبر امی «استاد شهید آیت اله مطهری رحمة الله علیه» صفحه 8,7 .

را یکی از جنبه های آیه بودن قرآن، دانسته است. در سوره ی یونس آیه 16 چنین میخوانیم (قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِيكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ).

(ای پیامبر صلی الله علیه و آله بگو اگر خدا میخواست قرآن را بر شما تلاوت نمی کردم و شما را از حقایق آن آگاه نمی ساختم من پیش از این عمری در بین شما بودم آیا عقل و فکر را بکار نمی گیرید؟

و نیز در آیه 48 عنکبوت می فرماید: (وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَأْتَابَ الْمُضِلُّونَ) و تو پیش از این نه نوشته ای را میخواندی و نه بدست خویش آن را می نوشتی تا یاهو گویان در نبوت تو شک کنند.

در آیات متعددی نیز پیامبر صلی الله علیه و آله را امی (1) (درس نخوانده) توصیف میکند. حال با توجه به درس ناخوانده بودن پیامبر صلی الله علیه و آله آوردن چنین کتابی با آن محتوای غنی و منسجم و با آن اعجاز هنری بدون تردید از ارتباط پیامبر صلی الله علیه و آله با خدا حکایت دارد و نشان چنین امری است. شگفت تر آنکه این پیامبر درس ناخوانده در اولین سوره ای که تلاوت میکند از تعلیم و تعلم و قلم سخن میگوید (2) و در کتابش به نوشتن و قلم سو سوگند

ص: 80

-
- 1- (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ...) / 157 / اعراف . آنان که از فرستاده ای پیام آور و درس ناخوانده پیروی می کنند....
 - 2- (أَفَرَأَى وَرَبِّكَ الْأَكْرَمَ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ) 3 و 4 / علق . بخوان و خواندگارت گرامیتر و کریمتر است. آنکه بشر را علم نوشتن با قلم آموخت.

میخورد. (1) حتی هنگامیکه درباره ی انسان اولیه و مقام و خلافت و جانشینی او از خدا بحث میکنند دانستن اسماء و تعلیم اسماء به او را راز خلافت مسجود بودن و برتریش نسبت به فرشتگان بشمار

می آورد. (2)

آری چگونه ممکن است در سرزمینی که آنقدر از علم و فرهنگ بدور بودند که حتی حاکمان ستمگر و افزون طلب به آن توجهی نداشتند شخصی درس ناخوانده از بالاترین قوانین علمی و فلسفی، اقتصادی و حقوقی سخن گوید و از حقایقی که قرنها بعد کشف میشود خبر دهد. چگونه ممکن است با یک جمله (وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ) (3) از زوجیت در گیاهان خبر دهد یا با جمله کوتاه (رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا) (4) از قوه جاذبه سخن گوید و یا از مسائل مختلف دیگر که پس از قرنها با وسائل بسیار مهم کشف شده است، بحث کند (5) بدون شک اینها همه دلالت بر آن دارد که این کتاب از سوی خدا

ص: 81

1- (ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ) 1/ قلم. ن، سوگند به قلم و نوشتن.

2- آیه 30 تا 34 از سوره ی بقره .

3- «7/اق» و در زمین از هر نوع گیاه زیبا و با طراوت جفت رویاندیم .

4- (3/رعد) آسمانها را بدون ستونی که ببینید با (ستون نامرئی) برافراشت.

5- میتوان اینگونه اخبار غیبی قرآن را بعدی دیگر از ابعاد اعجاز قرآن دانست.

«خلاصه درس پنجم»

1- هماهنگی در شیوه ی بیان و در مضمون و محتوی بعد دیگری از ابعاد اعجاز قرآن است. قرآن مجید معتقد است و اعلام میدارد که این کتاب از هرگونه ناهماهنگی، اختلاف و تناقض خالی است در صورتیکه اگر این کتاب فرآورده فکر انسان می بود می بایست ناهماهنگی فراوانی در آن بیاید.

2- تکامل تدریجی بویژه در امور اکتسابی - تاثیر پذیری از احوال درونی و برونی، محدودیت در ابعاد مختلف و خطاپذیری از ویژگی های غیر قابل انفکاک انسان، بشمار می آید.

3- ویژگیهای فوق در نحوه ی سخن گفتن، موضعگیری ها، قضاوت ها و اندیشه و افکار انسان اثر میگذارد و در نتیجه دچار ناهماهنگی های غیر قابل اجتناب در زمینه های مختلف می گردد .

4- قرآن مجید کتابی است که در شرائط مختلف برونی و درونی پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ میشده و از کلیه مسائلی

ص: 82

1- (وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (23/ بقره). واگر در آنچه بر بنده مان فرو فرستادیم شک دار بد پس یک سوره همانند او بیاورید و گواهان خود را بجز خدا بخوانید، اگر راستگو هستید.

که در سعادت انسان تاثیر دارد در طی 23 سال سخن گفته است ولی در عین حال هیچ گونه تناقض و ناهماهنگی در آن نیست.

5- با توجه به ویژگی های انسان و خصوصیات قرآن باین نتیجه می رسیم که چنین کتابی را هیچ انسانی نمیتواند بیاورد و محصول فکر بشر نیست.

6- قرآن از نظر آورنده اش نیز در حد اعجاز است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بتصریح قرآن و تاریخ و روایات پیش از بعثت نه کتابی را میخوانده و نه حتی یک کلمه نوشته است. و در نزد کسی خواندن و نوشتن را نیاموخت. این موضوع مورد اتفاق تمام تاریخ نویسان با انصاف شرق و غرب است.

7- با تمام آنچه گذشت می بینیم که این شخص بزرگ بهترین، بالاترین و کامل ترین معارف و حقایق را در کلیهی زمینه های مربوط به سعادت انسانها بیان فرموده است و از بسیاری حقایق علمی که پس از قرنها با وسایل علمی کشف گردیده با یک جمله کوتاه سخن گفته است.

8- پیشگویی های علمی قرآن را میتوان بعدی دیگر از ابعاد اعجاز قرآن دانست هر چند در قرآن صریحاً روی آن تکیه نشده است.

خود را بیازمائیم :

1- ویژگی های انسان کدام است؟

2- محدودیت انسان را شرح دهید.

3- قرآن چه ویژگی هایی دارد؟

ص: 83

4- با توجه به ویژگی های قرآن و انسان چه نتیجه ای می گیریم؟

5- پیامبر امّی یعنی چه؟

6- اعجاز قرآن از نظر آورنده اش بچه معنی است؟ شرح دهید.

7- چند نمونه از پیشگویی های علمی قرآن را بیان فرمائید.

ص: 84

مدتی است که مسئله «بازگشت به قرآن» و درمان خواهی از این کتاب برای دردهای فردی و اجتماعی که گاه بی درمان می نمایند، بین مسلمین مطرح شده و نقل مجالس گشته است.

در این ارتباط وقتی به قرآن می نگریم می بینیم خود را نور (1)، تبیان هر چیز (2) و شفاء (3) میدانند.

ص: 85

1- (... قَدْ جَانَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (15 مائده) همانا از جانب الله نوری و کتابی روشن بسوی شما آمده است. (... وَالدِّينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولِي هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (157 / اعراف). و آنان که به او گرویدند و او را حرمت و عزت نهادند و یاریش کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند ایشان به حقیقت رستگاران عالمند. (يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَانَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا). 174 / نساء. ای مردم برای هدایت شما از جانب خدا برهانی محکم آمد و نوری تابان به شما فرستادیم.

2- (... وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ... (89 / النحل). و بر تو این کتاب را فرو فرستادیم تا بیانگر همه امور باشد ...

3- (يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَانَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ). 57 / یونس . ای مردم از جانب ربان بسوی شما موعظه ای آمده است و شفائی است برای دلها و هدایت و رحمتی برای مومنان . (وَنُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ) (82 / الاسراء) و ما آنچه از قرآن فرو فرستادیم شفایی و رحمتی برای مومنان است. (... قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً) (44 فصلت) بگو این قرآن برای مومنان هدایت و شفاء است.

با توجه به این که قرآن خود را «نور» و «تبیان لکل شیء» و «شفاء» میدانند این سؤال در ذهن پدید می آید که :

اگر قرآن چنین است پس چرا افراد بسیاری رو به آن می‌آورند و در عین حال از آن چیزی به دست نمی‌آورند؟ اسفبارتر آنکه جمعی به جای شفا یا علاج دردی هم بر دردهایشان افزوده می‌شود و پس از مطالعه‌ی قرآن باری جانگاہ از اشکال‌ها و سؤال‌ها و حیرت‌ها بر دوش آنها نهاده میشود و جمعی بجای صالح شدن، فاسدتر می‌شوند.

مگر ما قرآن را نمی‌خوانیم؟ مگر در آن دقت نمی‌کنیم؟ مگر مطالبش را نمی‌فهمیم؟ پس چرا نتیجه نمی‌گیریم؟

مگر قرآن وسیله‌ی هدایت نیست؟ مگر وسیله‌ی ساختن انسان نیست؟ مگر نه این است که آن تنها طریق بکمال رسیدن است؟

پس چرا ما بهره‌مند نمی‌شویم؟ چرا وسیله‌ی حرکت موجب رکود و توقف ما شده؟ چرا نور، برای ما ظلمت شده

ص: 86

است؟ چرا رحمت برای ما زیان شده؟ چرا هدایت برای ما ضلالت شده است؟ توجه دارید که مساله بسیار حسّاس و مهم است. پس باید در جواب و حل مشکل با دقت و اهتمام بیشتری گام برداشت.

مهمترین مسئله و اولین گام در این ارتباط «نحوه ی تلقی» ما از قرآن و چگونگی برخورد ما با این کتاب مجید است. راستی این کتاب را چگونه باید نگرست؟ بصورت یک گلخانه که در آن به تفریح پرداخت و دنبال گل های خوشبو و زیبا گشت و دمی را به خوشی گذارند؟ بصورت یک شاهکار ادبی؟ و یا...؟ و یا بصورت یک وسیله هدایت و نجات و داروخانه؟ روشن است که شق اخیر درست است زیرا در برابر نور، تیبان لکل شی و شفا بودن یا وسیله ی هدایت بودن و چیزی که دوی درد ما را در بردارد (داروخانه بودن) سازگار است.

اکنون با چنین تلقی میگوییم:

برای بهره مندی از یک وسیله چه چیزهایی لازم است؟

مهمترین چیزهایی که در این ارتباط باید مورد توجه قرار گیرد، عبارتند از:

1- شناخت وسیله.

2- شناخت راه استفاده از آن .

3- شناخت مورد کاربرد وسیله (چیزی که وسیله را برای تغییر آن بکار می بریم).

توضیح و تعلیل: اگر گاز را ترمز خیال کردید، استفاده از

ص: 87

آن مایه ی سقوط است.

اگر قرصها و کپسولها و... را شناسید و عوضی بکار برید، استفاده از آنها موجب شدت بیماری و یا حتی مرگ است، پس شناخت وسیله لازم است.

اگر برای استفاده از تلفن آن را به برق وصل کردید و یا گوشی را عوضی گرفتید اگر آمپول تزریقی و یا پماد را بخورید، چه میشود؟ پس شناخت راه استفاده هم لازم است.

اگر ندانستید که بیمارید یا نه یا اگر نوع بیماری را ندانید باز هم به شفایی نمی.رسید پس شناخت مورد کار برد نیز لازم است.

در استفاده از قرآن بعنوان یک وسیله هدایتگر و شفابخش دلها نیز باید به شناخت های مزبور مجهز باشید. در غیر اینصورت بجز سقوط و گمراهی و دست کم بی اثر بودن عمل رجوع به قرآن نتیجه ای نخواهیم گرفت.

پس برای بهره وری از قرآن باید :

1- قرآن را باز شناسیم.

2- طریق استفاده از آن را بیاموزیم.

3- خود را نیز باز شناسیم.

البته هر سه بحث بسی گسترده و پردامنه است. اما از آنجا که قرآن کتاب هدایت و سازندگی است (همانطور که به این جهت اشاره رفت) ما نیز بیشتر از این دیدگاه مسئله را بررسی می کنیم.

ص: 88

1- (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) / 9 حجر.

ما خودمان «ذکر» را نازل کرده ایم و خود نگهبان آنیم.

2- (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ). 2 جمعه.

او است خداوندیکه در میان مردم امی، رسولی از خودشان برانگیخت تا آیات الهی را برایشان تلاوت کند و آنان را تزکیه نماید و کتاب و «حکمت» را بیاموزد و براستی در گذشته دچار گمراهی آشکار بودند.

3- (هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ). 138/ آل عمران.

این (قرآن) بیانی برای مردم و هدایت و «پندی» برای پرهیزکاران است.

4- (وَأذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ) ... 34 احزاب.

(ای نساء نبی) آنچه را در خانه هایتان از آیات خدا و حکمت (قرآن) خوانده میشود بیاد آرید.

5- (تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ). 253 بقره.

این است «آیات» (نشانه های) خدا که براستی بر تو

تلاوت می کنیم.

6- (يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ) / 57 یونس.

ای مردم از پروردگارتان شما را پند و «شفا» آنچه در دلها است و هدایت و رحمتی برای مومنان رسیده است.

از آیات فوق بدست می آوریم که :

قرآن داروی غفلت (ذکر) درمان انحراف (هدی) اشباع کننده تشنگی عقل و تنظیم کننده ی رفتار (حکمت) آیه و نشانه (آیات الله) و پند و درمان بیماریهای روحی (موعظه و شفاء) است.

دامنه ی مطلب در این زمینه بسیار وسیع است. اما برای رعایت اختصار در اینجا به همین حد اکتفا می کنیم .

«چگونه از قرآن استفاده کنیم؟»

بطور خلاصه چنین میتوان گفت «مرحله نخست گذراندن کلاسهای تعلم قرائت قرآن است.

در انتهای این مرحله میتوان قرآن را خوب قرائت کرد.

مرحله دوم، یادگیری ترجمه قرآن است در این مرحله باید اینها را آموخت :

الف - صرف و نحو، ب - معانی و بیان. ج - لغت. د - فقه اللغة. با سپری شدن این مرحله، قدرت بر ترجمه حاصل می شود .

ص: 90

مرحله سوم تفسیر قرآن است. در این مرحله تسلط بر کل قرآن شرط نخست است. زیرا که بعض قرآن راهنمای فهم بعض دیگر است. در همین تسلط است که که مفسر بی غرض از راه خود قرآن پی می برد که در تفسیر کتاب، مراجعه به سنت ضروری است. روشن است که ما در این درس نمی خواهیم وارد ریز مطالب شویم، اما از باب نمونه و نیز برای اهمیت فوق العاده مطالبی که ذکر شد، مقداری به آن می پردازیم:

اول: در سوره واقعه آیات 77 تا 79 چنین می خوانیم:

(إِنَّهُ لَقُرْآنَ كَرِيمٍ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ).

همانا آن (آنچه ما نازل کرده ایم) قرآن با کرامت است. در کتابی مکنون واقع است. غیر از افراد مطهر آن را مس نخواهند کرد.

و در سوره ی احزاب آیه 33 می خوانیم:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا).

همانا الله اراده دارد که از شما اهل بیت پلیدی را دور کند و مطهرتان سازد. پس اهل بیت مطهرند و بنابراین کسانی هستند که با حقایق عالی قرآن تماس دارند.

البته ایشان مصادیق کامل مطهرند و این منافاتی ندارد با این که افراد دیگری نیز در مراحل نازلتر مصادیق مطهر باشند و ایشان کسانی هستند که بنور نبی و اهل بیت تمسک کرده اند و

به وسعتها رسیده اند و در نتیجه قادر به برداشتها و تفسیرهایی هستند اما نه به قطعیت نبی و اهل بیت علیهم السلام .

دوم : طرح سؤال است. با طرح سؤال مشخص میشود که دنبال چه میگردد و در نتیجه از پراکندگی در نظر و دقت محفوظ می ماند پراکندگی، تحقیق را بی اثر و یا کم اثر و محقق را ناکام میسازد. با طرح سؤال آنچه در حل مشکل لازم است سهل تر بدست، می آید.

ای بسا کس رفته تا روم و هری *** او ندیده هیچ جز افسونگری

ای بساکس رفته ترکستان و چین *** او ندیده هیچ غیر از مکر و کین

طالب هر چیزی ای یار رشید *** غیر آن چیزی که می جویدندید

طرح سؤال درباره ی زمینه سوره، زمینه ی آیات، ارتباط آیات با هم، ارتباط جملات و یا کلمات یک آیه با هم، امری که آیه از آن سخن میگوید (موضوع اخلاقی، حقوقی، فلسفی و ...) ارتباط موضوع آیه با زیر بنای مکتب، چگونگی پاسخ آیه و روش بیان، آیا از آیه قانون کلی بدست می آید! آیه چگونه قانونی را بیان میکند؟ (جبری، اختیاری، قرار دادی و ...) سوم: بعد از طرح سؤال چیزی که باید شدیداً مورد توجه قرار گیرد، شکیبایی در یافتن پاسخ است. زیرا چه بسا ممکن است بعضی از سؤالها سالها طول بکشد تا جواب یابد و یا

حتی تا ما زنده‌ایم پاسخی یافت نشود و سالیانی بعد از ما جواب بدست آید. اگر در برابر سؤال شکیبایی نداشته باشیم طبعاً در صورت نیافتن جواب حقیقی، به تراشیدن و اختراع جواب های غیر حقیقی خواهیم پرداخت و یا از قرآن اعراض خواهیم نمود و در هر صورت گرفتار ضلالت شده ایم.

غیر از سه مسئله ی ذکر شده امر دیگری نیز هست که باید در همین مرحله مورد توجه قرار گیرد و آن اینکه در گیرودار بررسی و تحقیق و هدف اصلی از پرداختن به کتاب، هدایت را گم نکنی. تو با بررسی قرآن نمی خواهی استاد ادبیات و یا فیزیک، شیمی، هیئت و بیولوژی و ... شوی بلکه قرآن کتاب هدایت انسان است بسوی کمال نهایی او، پس در این بررسی و تفکرات مواظب باش که رشته از دستت بیرون نرود و بین راه انحراف به خلاف مقصود پیدا نکنی.

با فراهم شدن این امور منطقاً قدرت بر تفسیر قرآن پدید می آید و البته در هر یک از مطالب ذکر شده، جای بسی تفصیل و توضیح است اما در این درس بیش از این مجال نیست. (1)

ولی نباید پنداشت که تنها آنچه گذشت برای بهره مندی از این کتاب کریم کافی است زیرا امور مزبور فقط مراحل علمی و سیر منطقی را فراهم می آورند در حالیکه از نظر روحی نیز شرایطی لازم است. خود قرآن در

ص: 93

1- برای مطالعه بیشتر به کتابهایی که در زمینه روش برداشت از قرآن نوشته شده است مراجعه فرمائید.

1- (قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ 15 يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) 160 / مائده. بی گمان از جانب خدا برای شما نوری و کتاب روشنی آمده است، خدا بواسطه ی آن کسی که در پی خشنودی او باشد براههای سلامت (و نجات) راهنمایی میکند و ایشان را از تاریکیها به روشنایی در می آورد و براهی راست هدایت می کند.

2- (وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ) 69 (لَمُنذِرٌ مَّن كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ) 70 / يس. و ما او را شعر نیاموختیم، و او را سزاوار نیست آنچه (او میگوید) جز یاد (خدا) و قرآن آشکار چیزی نیست تا بیم دهد هر که را که زنده (دل) بود و (عذاب) بر کافرین واجب آید.

3- (وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ) 510 / الانعام. و بیم ده کسانی را که از محشور شدن بسوی پروردگارشان می ترسند که ایشان را جز او یاری و شفاعت کننده ای نیست، باشد که آنان بپرهیزند. (ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْفَى إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَنْ يَخْشَى) 3 / طه. بر تو قرآن را فرو نفرستادیم تا بر خود رنج نهی مگر پندی باشد برای آن کس که بترسد.

4- (إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا). 19 المزمّل. همانا این (قرآن) پند و یادآوری است پس هر که بخواهد بسوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد.

استقامت (1)، اسلام (2)، تقوی (3)، یقین (4)، ایمان (5)، احسان (6)، سجده (7) و تسبیح (8) و ... از شروط بهره مندی انسان از این فیض

ص: 95

- 1- (إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ 27 لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ) 28/ التکویر. نیست آن (قرآن) مگر پندی و یادی برای عالمیان برای هر که از شما که بخواهد مستقیم شود.
- 2- (وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمِيِّ عَنْ صَدَلَاتِهِمْ أَنْ تَسْمَعَ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ) 53/ روم. و تو هادی کوران از گمراهیشان نیستی و نشوانی مگر کسانی را که به آیات ما ایمان می آورند و مسلمند .
- 3- (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) 2/ البقره. این آن کتاب است که شکی در آن نیست، راهنمای متقین است.
- 4- (هَذَا بَصَائِرٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ). 20/ الجاثیه. این (قرآن) برای مردم بینائی ها است و هدایت و رحمتی است برای قومی که اهل یقینند.
- 5- (... هَذَا بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) 203/ الاعراف. این بصیرتهایی است از جانب پروردگار شما و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می آورند.
- 6- (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ 20 هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُحْسِنِينَ) 3/ لقمان. آن آیات کتاب با حکمت . است هدایت و رحمتی است برای محسنین .
- 7- (قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لَلْأَذْقَانِ سَجْدًا. 107 وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا 108 وَيَخِرُّونَ لَلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا). 109/ الاسراء . بگو ایمان آورید بدان یا ایمان نیاورید، بی گمان آنکسان که پیش از آن علم داده شدند چون بر آنها خوانده شود، سجده کنان به روی زنخهای خویش فروافتند. و بگویند: پاکی خدای را است، بی گمان وعده ی پروردگار ما انجام شده است و گریه کنان بروی زنخهای خویش فرو میافتند و فروتیشان می افزاید.
- 8- (إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ) 15/ السجده. (این آیه سجده واجب دارد.) جز این نیست که به آیات ما آن کسانی ایمان میآورند که هر گاه به آن آیات پند و تذکر داده شوند سجده کنان بر روی در افتند و به پاکی بستایند پروردگارش را و تکبر نکنند.

1- (وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يَصِرُ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابِ الْيَمِّ. 8 وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هَرُورًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ). 9/ الجاثیه . وای بر هر دروغگوی گناهکار، آیات خدا را که بر او خوانده می شود، می شنود با گردن کشی در کفر و عصیان اصرار ورزد، گویا آن آیات را نشنیده است، پس او را به عذاب دردناک، مژده بده و هنگامی که چیزی از آیات ما فراگیرد، آن را استهزاء کند. ایشان را عذاب خوار کننده است.

2- (... وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ). 47 / العنكبوت. و آیات ما را جز کافران انکار نمی کنند.

3- (وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ) 99 / البقره. ما آیه های روشن بر تو فرو فرستادیم و جز فاسقین منکر آن نشوند.

4- (... وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ). 49 / العنكبوت. ... و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی کنند.

پیروی از هوای (1) نفس و ... از موانع اهداء به قرآن است .

«ما چگونه هستیم»

برای ما در مسیر حیات یک خط جبری و مشخص در نظر گرفته نشده است ما موجودی هستیم که در فراخنای زندگی بر سر دوراهی و گاه چند راهی قرار می گیریم و هیچ قانون جبری بر ما تحمیل نمی شود .

حتی نیروی پرکشش غرائز که نقش اساسی را در رهبری و راهنمایی حیوانات بعهدہ دارد، در مورد انسان با آن که دائره نیازهایش بمراتب از حیوانات وسیعتر است نه تنها عملکردش گسترش نمی یابد بلکه تضعیف می شود.

یک نوزاد انسان نه تنها نمیتواند خوراک مورد نیاز خود

ص: 97

1- (... فَأَعْلَمَ إِنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ). /50 القصص . . . پس بدان که جز از هوسهای خود پیروی نکنند و کیست گمراهتر از آنکس که هوس خویش را پیروی کند بدون حاجتی از خدا به یقین خدا گروه ستمکاران را هدایت نمیکند.

را تشخیص دهد و از خوردنیهای مضر جدا کند بلکه حتی شیئی خوردنی و راه غذا خوردن را نیز باید به او ارائه دهند و بیاموزند. در آگاهی های حسی با آن که انسان و حیوان مشترکند ولی برد برخی از آنها در بعضی از حیوانات خیلی بیشتر از انسان است.

در عین حال انسان می خواهد خوشبخت و سعادت مند شود یعنی به کمال شایسته ی خود برسد برای این منظور باید راه سعادت را بیابد و پیماید زیرا طبیعت یک راه حتمی و جبری برای او تعیین نکرده است. یافتن راه سعادت یعنی کشف قوانین آن و دست یافتن به رهنمودهای روشن و مشخص که خطاناپذیر می باشند. بنابراین قبل از هر چیز انسان نیازمند شناخت است شناخت راه، شناخت قانون. انسان برای کسب آگاهی و دستیابی به شناخت که ضروری ترین و انقلابی ترین نیاز او است راهها و ابزارهایی در اختیار دارد که مهم ترین آنها عبارتند از:

1- حس و تجربه .

2- عقل و اندیشه.

کلیه ی دستاوردهای انسان در زمینه ی علوم تجربی و همچنین علوم انسانی از این دوره مهم است. انسان با حس و تجربه، پدیده های عینی را از طریق مشاهده مستقیم شناسایی میکند و با مدد عقل و اندیشه حقایق نامحسوس را از روی آثار و نشانه ها کشف مینماید.

اما در آنها این کمبودهای مشترک را می بینیم :

ص: 98

این کمبودها و نارسائیه‌ها در شناخت انسانی بخوبی اندیشه‌ی خود کفایی عقل آدمی را در رهبریش بسوی کمال مطلوب و سعادت نفی میکند و نیاز دائمی او را به داشتن ارتباط با یک منبع آگاهی دیگر که این نقصها و ضعفها را نداشته باشد به اثبات می‌رساند.

هر چه بیشتر دقت میکنیم، نیاز ضروری و اجتناب ناپذیر انسان را به ارتباط با یک منبع آگاهی نامحدود، خطاناپذیر و

ص: 99

غیر قابل تاثیر بیشتر احساس می کنیم. (1)

روشن است که این ویژگیها مخصوص خداوند تبارک و تعالی است و شناختی که از جانب او افاضه شود در کمال جامعیت است و تضمین شده ی از خطا می باشد .

اکنون خود بگویید: این شناخت از چه راه به انسان رسیده است و در کدام کتاب مدون، است؟ بنابراین با توجه به ضعف ها و نقص ها و محدودیت های همه جانبه انسان میتوان نتیجه گرفت که تنها راه رسیدن به سعادت و کمال نهایی، رو آوردن به مکتب وحی و استفاده از رهنمودهای قرآنی است.

در پایان باز می گوئیم: حقایق عالییه ی قرآن در مرحله ای است که از طریق درس رسمی نمیتوان به آنها دست یافت بلکه هر اندازه مطهر شوی همان اندازه آن کتاب مکنون را مس خواهی کرد.

دیگر آنکه این کتاب برای شخصی شفا و رحمت خواهد بود که واقعاً مومن باشد اما آن کسانی را که چنین نیستند و از جرگه ی ظالمینند جز زیان و خسارت نخواهد افزود. آری :

(إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ، فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ)، 79 و 78 سوره واقعه (وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا). (سوره ی الاسراء 82). (صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ)

ص: 100

1- برای توضیح بیشتر مراجعه کنید به کتاب «چند درس درباره ی اصول ایدئولوژی اسلامی» درس نه و ده.

1- مهمترین و اولین گام در راه بهره مندی از قرآن (نحوه تلقی) ما از قرآن و چگونگی برخورد ما با این کتاب مجید است.

2- قرآن شفاء صدور و وسیله ی هدایت است.

3- برای بهره مندی از یک وسیله باید این شناخت ها فراهم آید :

الف - شناخت وسیله.

ب - راه استفاده از آن.

ج - موارد کاربرد وسیله (چیزی که وسیله را برای تغییر آن بکار می بریم).

4 - برای بهره مندی از قرآن نیز باید :

الف و ب - قرآن را بازشناسیم و طریق استفاده از آن را بیاموزیم.

ج - خود را نیز بازشناسیم.

5 - قرآن داروی غفلت، درمان انحراف، اشباع کننده ی تشنگی عقل و تنظیم کننده ی رفتار، آیه و نشانه ی خدا، پند و درمان بیماری های روحی است.

6 - برای استفاده از قرآن پیمودن این مراحل منطقیاً ضروری است.

الف - تعلم قرائت قرآن .

ب - تعلم ترجمه ی قرآن.

ج - تعلم روش تفسیر قرآن.

7- در تفسیر این امور باید منظور باشند:

الف - تسلط بر کل قرآن .

ب - حلم در برابر سؤال .

ج - طرح سؤال .

د - حفظ سیر فکری و گم نکردن هدف.

8 - برای استفاده از قرآن میبایست آمادگیهایی روحی نیز فراهم کرد و موانع اهتداء را هم از بین برد.

9 - برای رسیدن به سعادت نیاز به شناخت رهنمودها و قوانین کلی است.

10- راهها و ابزارهای شناخت بشری دارای این نارسائیهها و کمبودها است :

الف - محدودیت.

ب - خطاپذیری.

ج - تاثیر پذیری.

11- برای تامین نیازهای انسان در زمینه ی شناخت راهی لازم است که نامحدود، خطاناپذیر، تاثر ناپذیر و تضمین شده باشد و این همان راه وحی است و قرآن کریم حاوی رهنمودها و قوانین از این راه می باشد.

ص: 102

- 1- نحوه ی تلقی ما از قرآن باید چگونه باشد و چه اهمیت و نقشی را در بهره مندی از قرآن دارد؟
- 2- برای بهره مندی از یک وسیله چه شناختهایی لازم است؟
- 3- ده صفت از اوصاف قرآن را با استناد به آیات قرآنی ذکر کنید.
- 4- برای استفاده از قرآن پیمودن کدام مراحل منطقاً ضروری است؟ و چرا؟
- 5- درباره ی آمادگیهای روحی و نیز موانع اهتداء قدری بحث کنید.
- 6- راهها و ابزارهای شناخت بشری چه نارسائیهها و کمبودهایی دارند؟
- 7- از روشن ساختن و اثبات آن نارسائیهها چه چیزی استفاده می کنیم؟ و چگونه؟

آنچه در درسهای گذشته از آغاز تا کنون گفته شد، در حقیقت مقدمه‌ی آشنایی با قرآن بود، مقدمه‌ای که برای بهره‌گیری از تعالیم قرآنی ضروری می‌نمود.

اینک بهتر آن است که قرآن را بگشاییم و مستقیماً جان خود را با تعالیم آسمانی قرآن آشنا سازیم: قرآن - پیام خداوند برای انسان است، کتاب هنر است و راه گشای انسان است، کتاب حیات و زندگی است، بنابراین در تمام ابعاد زندگی نسان سخن می‌گوید و به تمام نیازهای هدایتی انسان پاسخ می‌دهد، چنانکه در درسهای پیشین گفتیم مطالب و موضوعات مختلف عقیدتی، اجتماعی، تاریخی اخلاقی و تربیتی، عبادی، اقتصادی و در آیات قرآن کاملاً آمیخته است و بهیچوجه از یکدیگر (چنانکه در کتاب‌های دیگر) تفکیک نشده است. اشاره کردیم که شاید این آمیختگی با توجه به پیوستگی ابعاد مختلف وجود انسان از یک فلسفه عمیق در تعلیم و تربیت برخوردار باشد که نشانه‌ی آن تاثیر عمیق همه‌جانبه و جاذبه‌ی بی‌نظیر و کشش

بی پایان این کتاب آسمانی است. در این درس برآنیم تا با فرازهایی از قرآن کریم در زمینه های متنوع و مختلفی که این کتاب انسان ساز از آن سخن گفته است اندکی آشنا شویم و آنها را به کار بندیم تا سعادت دو جهان را بدست آوریم.

با توجه به نکات مذکور اینک گوش دل را به تعالیم روحبخش و انسان ساز قرآن می سپاریم و خود را، برای شنیدن پیام خدایمان آمده میکنیم. (1)

1- توحید و شرک

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِّثْلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ، ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ). 73 و 74 حج .

ای انسان ها، مثالی زده شده است گوش کنید :

محققاً هر آنچه را که جز خدا میخوانید هرگز مگسی را نیافریده اند هر چند که همه با هم جمع شوند و اگر مگسی چیزی را از آنها بگیرد نمی توانند از او باز ستانند، چقدر ضعیف و ناتوانند طالب (مشرکین) و مطلوب (معبودهای دروغین). بحق خدای را آنچنانکه شایسته ی او است قدر ننهاده اند، بدرستی که

ص: 106

1- برادران و خواهران گرامی بکوشند این آیات را حفظ کنند و همیشه بخاطر داشته باشند.

خداوند قوی و شکست ناپذیر است (به روانی و روشنی و عینیت این آیه توجه کنید).

2- ولایت غیر خدا

در سوره ای که بنام عنکبوت و بعنوان سمبل بنای پوشالی شرک در قرآن شریف نامیده شده چنین می خوانیم:

(مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ، إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ) 41، 42، 43 عنکبوت.

آنانکه ولایت غیر خدا را پذیرفتند مانند عنکبوتند که خانه ای برای خود ساخته برآستی که خانه عنکبوت سست ترین و بی پایه ترین خانه هاست. اگر آگاه باشند بدرستی که خداوند بآنچه غیر از او از اشیاء میخوانید آگاه است و او عزیز و حکیم است و این مثالها را برای انسانها بیان میکنیم ولی جز دانیان آن را درک نمی کنند.

3- حب خدا و غیر خدا

(وَمِنَ النَّاسِ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ، وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ) 65 / بقره .

ص: 107

بعضی از مردم غیر خدا را مانند او می انگارند و آنها را مانند خدا دوست دارند اما مومنان خدا را بیش از هر چیز دوست دارند.

(قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ). 25 / توبه.

آیه شریفه سوره توبه گویا تمام وابستگی ها و دلبستگی های انسان را در یکجا جمع کرده و قاطعانه اعلام میدارد که: ای پیامبر به این مردم اخطار کن که هر گاه پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و قبیله تان و ثروت هایی که اندوخته اید و تجارتي که از کسادی آن بیمناکید و خانه های (زیبائی) که به آنها دلبسته اید نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه او محبوب ترند، در این صورت منتظر حکم الهی باشید. و خداوند هرگز فاسقان را هدایت نخواهد کرد.

4- درباره ی مسلمین و جامعه ی اسلامی

آخرین آیه سوره ی فتح: (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ، تَرَاهُمْ رُكْعًا سَدِّجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا - سِيَمَا هُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ - وَذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ - وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ

ص: 108

أَخْرَجَ اللَّهُ طُئُهُ فَآزَرَهُ فَاسَّ تَغَلَّظَ فَاسَّ تَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الرُّزَاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا). 30 / الفتح .

محمد فرستاده خداست و آنانکه با او یند (مومنان) در برابر کفار بسیار سخت و با یکدیگر بسیار رئوف و مهربانند. آنها را در حال رکوع و سجود فراوان میبینی در حالیکه خواستار فضل و خوشنودی خدای خود هستند، بر رخسار (نورانشان) آثار سجده پدیدار است اینست وصف آنها در کتابهای تورات و انجیل. (این جامعه ی نو بنیاد اسلامی) گویی همچون گیاهی است که جوانه زده است و آنگاه (روز به روز) رشد کرده تا آنکه قوی و سَطیر گشته و بزودی بر ساق خود محکم و استوار ایستاده است. (بطوریکه) کشاورزان (جامعه شناسان) در شگفتی و حیرت مانند تا کفار از این رشد و صلابت سخت بخشم آیند خداوند به کسانی که از آنان ایمان و عمل صالح داشته باشند و عده ی مغفرت و اجر عظیم داده است.

5- ماهیت زندگی دنیا

(اعلموا إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مُصَدَّرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ).

ص: 109

(ای انسانها) بدانید که زندگی دنیا در حقیقت جز بازیچه و لهو و عیاشی و آرایش و تفاخر و خودستایی نسبت به یکدیگر و حرص افزایش در اموال و فرزندان نیست. درست مانند بارانی که سبب رویش گیاهان شود و کشاورزان را شاد و شگفت زده سازد و سپس زرد و خشک شود و بپوسد.

و در آخرت هم (در یکطرف) عذاب شدید (برای کافران) و در (طرف دیگر) مغفرت و رضوان (برای مومنان).

و برآستی حیات این جهان جز کالای غرور و فریب نیست.

قرآن شریف در بسیاری از آیات با مقایسه حیات فریبنده و دروغین دنیا در برابر حیات راستین و زندگی جاوید اخروی، دورنمایی از آن را در نظر انسان مجسم می نماید و گاه با تشبیهات شیوا و گویا محدودیت ناپایداری و فناء این جهان را در برابر جهان بی پایان و حیات واقعی اخروی آنچنان با بیان رسای خود تبیین میکند که هر انسان بیدار دلی را از وابستگی جهان ماده آزاد و به هجرت از آنها وادار می سازد.

6- وحدت و اخوت اسلامی

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ). 103 / آل عمران.

ص: 110

(ای کسانیکه که به اسلام گرویده اید) همگی به رشته محکم الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید. و بیاد داشته باشید روزگاری را که با یکدیگر دشمن بودید (اشاره بدوران جاهلیت که رواج روزافزون کینه توزی و ستیزه جویی و خونریزی در بین قبیللهای عرب زندگی را بر آنها تنگ کرده بود). و خداوند در میان دلهای شما الفت و مهربانی برقرار کرده پس به برکت این نعمت الهی با یکدیگر برادر شدید (و بخاطر داشته باشید که) شما در لبه پرتگاه سقوط در آتش بودید خدا شما را نجات داد اینچنین خداوند آیات خود را بر شما آشکار میکند باشد که

هدایت گردید.

در بسیاری از آیات قرآنی همواره با یادآوری دوران جاهلیت پیش از اسلام و ضد ارزش های حاکم بر آن جامعه امتیازات مادی و معنوی که به برکت حاکمیت نظام صالح اسلامی حاصل شده است، گوشزد گردیده تا با ایجاد یک انگیزه سازنده و مثبت از طریق ترسیم دائمی دور نمای جامعه کفر و ایمان، در نظر مردم و مقایسه ی آن دو، افراد جامعه اسلامی همیشه پاسدار ارزش های اجتماعی مکتب باشند مبدا که بر اثر دوام و استمرار نعمت، سرچشمه ی آن را فراموش کنند و ارزش و اهمیت آن را از یاد ببرند.

یکی از این ارزش های اجتماعی که تنها در سایه ایمان میتواند حاصل شود نعمت وحدت و اخوت اسلامی است که همه شکافها را از بین میبرد و خصومت و کینه توزی را به صفا و برادری

ص: 111

و رحمت و عطفوت بدل میسازد و چنانکه اعراب پیش از اسلام به برکت اسلام از آتش دشمنی و خونریزی یکدیگر نجات یافتند و با یکدیگر برادر شدند.

امروز نیز با تاسف شاهد آنیم که امت بزرگ اسلام با فراموش کردن نظام ارزش اسلام و خود باختن در برابر ضد ارزشهای جاهلیت غرب و شرق دچار همان تفرقه ها و دشمنی ها و ستمکشی های پیش از اسلام شده است .

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بعنوان گوشه کوچکی از جهان پهناور اسلام امروز فریادگر این پیام قرآن است که ای توده های میلیونی مسلمان بیائید: به ریسمان الهی جنگ زنید و پراکنده نشوید و گذشته ی پرافتخار خود را در صدر اسلام بخاطر آورید، به ارزش های اسلامی باز گردید و نظام برادری اسلامی را بین خود برقرار کنید و این تنها راه پیروزی بر امپریالیسم و صهیونیسم غاصب و آزاد کردن سرزمینهای اسلامی نظیر فلسطین و افغانستان از زیر سلطه ی ابر جنایتکاران شرق و غرب است.

7- جهاد آزادی بخش در راه خدا

(وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا). 75 / نساء .

شما را چه شده است؟ که در راه خدا با ستمگران

نمی جنگید؟ در حالیکه فریاد مردان و زنان و کودکان مستضعف را می شنوید که میگویند: «پروردگارا ما را از این شهر ستمکاران نجات بخش و برای ولایت و یاری ما از جانب خودت ولی و یاور بفرست.»

بر اساس این آیه شریفه بر تمام مسلمین واجب است که آنگاه که فریاد استغاثه ی مردم مظلوم و به استضعاف کشیده شده ی را میشنوند که خدا را می خوانند و نجات بخشی را برای خود از او طلب میکنند بیاری آنها بر خیرند و با جهاد آزادیبخش اسلامی دست ستمگران را از سر آن ها کوتاه کنند .

8- حق و باطل در قرآن

(أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ). 19/ رعد .

خدا از آسمان آبی نازل کرد پس در هر دره ای باندازه ی وسعت و ظرفیتش سیل جاری شد، آنگاه روی سیل را کف برآمده ای فرا گرفت همچنانکه فلزات را هنگامیکه برای ساختن زینت (مانند طلا و نقره) یا ابزار و ظروف (مس و...) در آتش ذوب میکنند و چنین کفی پدید می آید همینطور خداوند متعال حق و باطل را با هم برخورد میدهد اما (بهرحال) کف بزودی

نابود و محو میشود ولی آنچه برای مردم نافع و مفید است (آب و فلز) در زمین باقی میماند اینچنین خداوند (برای شما) مثال می زند.

در این آیه شریفه با یک تشبیه روشن و گویا موقعیت حق و باطل از ابعاد مختلف در جامعه ی بشری مشخص گردیده است.

اینک ببینیم در تشبیه حق و باطل به آب و کف چه نکات و مشابتهایی وجود دارد.

1- آب از آسمان نازل میشود همچنانکه سرچشمه ی حق خداست هر موجودی باندازه ی ظرفیت استعداد و گنجایش خود از آن بهره مند میشود (فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا) اما باطل چیزی است که بعد بوجود میآید و نه تنها ارتباطی با خداوند اعلی ندارد (1) بلکه از دیدگاه قرآن حق اصالت دارد و باطل مانند کف روی آب فرضی است.

حق مانند آب، یا فلز ماندنی، ثابت و پایدار است و باطل مانند کف ناپایدار، فانی و زودگذر است (جریان آب سنبل مقاومت و پایداری است و کف سنبل بی هدفی و فناست).

حق در عمق و باطن رسوخ دارد و بدون خودنمایی ولی باطل مانند کف سطحی و ظاهری است تنها در ظاهر نمودی دارد

ص: 114

1- موجودیت کف اساساً از آلودگی ها و کثافات و زوائد عناصر ناخالص و خارجی که در آب و همچنین فلزات وجود دارند سرچشمه و تشکیل میشود.

و با خودنمایی نظر اشخاص سطحی و ظاهر بین را جلب میکند.

حق مانند فلزات و آب با محتوی و پرتو است اما باطل بمانند کف تو خالی و پوچ است هر چند در ظاهر باد کرده و برآمده است (زَبَدًا رابیا) اما در باطن جز لایه ای کاغذی نیست .

حق دارای صلابت و استحکام و استواری است ولی باطل همچون کف سست و بی پایه و پوشالی است. حق مفید و ارزشمند و واقعیت دار است (پاسخگوی نیاز واقعی انسان است) ولی باطل بی فایده و بی ارزش اما فریبنده و گول زننده است.

جریان حق در جامعه مانند حرکت و جریان آب کاملاً هدفدار و جهت دار است برخلاف کف که هیچگونه هدف و جهتی ندارد شکل بر خورد حق و باطل نظیر کف و آب است که کفها با جریان و حرکت بر خورد میکنند.

و گاه بظاهر کف روی آب را می پوشاند اما در همان حال آب در زیر پوشش ظاهری کف به حرکت و جوشش و جریان پیوسته خود ادامه میدهد.

حق، قائم به نفس و متکی بخود است اما باطل همچون کف روی آب قرار دارد با تکیه برحق و استفاده از آن برای مدتی خود را نگه میدارد و بدینوسیله دیگران را فریب می دهد.

ص: 115

- 1- مثالی را که قرآن در مورد ناتوانی معبودهای دروغین ذکر کرده چیست؟
- 2- قرآن ولایت غیر خدا را به چه چیزی تشبیه کرده است؟
- 3- از نظر قرآن رفتار مومنان در میان خود و رفتارشان با دشمنان اسلام چگونه است؟
- 4- ماهیت زندگی دنیا را طبق تعلیم قرآن مجید شرح دهید.
- 5- حق و باطل در قرآن چگونه توصیف شده اند؟ و چه تفاوت هایی با هم دارند؟ چند نمونه را ذکر کنید.

پایان

فهرست مطالب کتاب

درس اول - اطلاعات ابتدائی درباره ی قرآن (1)

1- قرآن یعنی چه؟ 3

2- آیه و آیات 5

3- سوره 7

4- مکی و مدنی 8

5- شأن نزول 9

6- جمع آوری قرآن 10

7- محکم و متشابه 13

8- اقسام متشابه در قرآن 15

خلاصه ی درس 17

خود را بیازماییم 19

درس دوم - اطلاعات ابتدائی درباره ی قرآن (2)

اقسام تشابه 21

فلسفه ی آیات متشابه 24

تأویل چیست؟ 27

ص: 117

بطن قرآن 31

خلاصه ی درس 35

خود را بیازماییم 38

درس سوم - برخی از ویژگی های قرآن

1- آمیختگی مطالب 39

2- جامعیت قرآن 41

3- مصونیت قرآن 44

4- اعجاز قرآن 45

خلاصه ی درس 48

خود را بیازماییم 50

درس چهارم - ابعاد اعجاز قرآن (1)

1- فصاحت و بلاغت یا بعد هنری قرآن 53

چند نمونه ی تاریخی 54

قرآن چگونه مردم را به قرینه سازی برمی انگیزد؟ 58

مقایسه 61

خلاصه ی درس 65

خود را بیازماییم 66

درس پنجم - ابعاد اعجاز قرآن (2)

2- هماهنگی در شیوه ی بیان و در مضمون و محتوی 69

الف - تکامل تدریجی انسان 70

ب - خطا پذیری و تأثیر پذیری انسان تأثیر پذیری انسان 71

ج- محدودیت 72

3- اعجاز قرآن از نظر آورنده ی آن 78

خلاصه درس 82

خود را بیازماییم 83

درس ششم - چگونه از قرآن بهره مند شویم؟

قرآن چیست؟ 89

چگونه از قرآن استفاده کنیم 90

ما چگونه هستیم 97

خلاصه ی درس 101

مقداری بیاندیشیم 103

درس هفتم - فرازهایی از قرآن

1- توحید و شرک 106

2- ولایت غیر خدا 107

3- حب خدا و غیر خدا 107

4- درباره مسلمین و جامعه ی اسلامی 108

5- ماهیت زندگی دنیا 109

6- وحدت و اخوت اسلامی 110

7- جهاد آزادیبخش در راه خدا 112

8- حق و باطل در قرآن 113

خود را بیازماییم 116

ص: 119

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

